

Original Article

The Lived Experience of Third Party in Marital Infidelity: A Phenomenological Study

Zahra Najjar^{✉1}, Fereshteh Mootabi¹, Mansoureh Sadeghi¹

1.Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Received: 2022.02.09

Revised: 2025.01.27

Accepted: 2025.02.03

Doi: [10.48308/jfr.2025.225861.1349](https://doi.org/10.48308/jfr.2025.225861.1349)

Abstract: Marital infidelity is one of the reasons that marital relationships collapse, harming all those involved in it. This study examined their experiences with a qualitative method and a descriptive phenomenological approach. In this regard, semi-structured in-depth interviews were conducted with 11 women who were romantically involved with a married person. For analyzing the data, the Colaizzi method was used. The results of the initial coding were identified in the form of 5 time periods - before the start of the relationship, at the beginning of the relationship, during the relationship, the end of the relationship and after the relationship. Before the relationship began, the two main themes included effective history and having moral values. At the beginning of the relationship, the path of acquaintance, unexpected experiences and conscious choice were the main themes. During the relationship, the following 5 themes came up: adversities, persistent factors, desires, goals, and events. At the end of the relationship, the main themes were the reasons for the breakup. After the relationship, the traces of the relationship, achievements and forgiveness were the main themes. The essence of the relationship was called exciting and bitter.

Keywords: Third party, Lived Experience, Marital Infidelity

How to cite: Najjar, Z. , Mootabi, F. and Sadeghi, M. (2025). The lived experience of third party in marital infidelity: A phenomenological study. *Journal of Family Research*, 20(4), -. doi: 10.48308/jfr.2025.225861.1349

✉Corresponding Author Email Address: zahra_n1996@yahoo.com



Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the creative commons attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

تجربه زیسته فرد سوم در خیانت زناشویی: یک مطالعه پدیدارشناسی

زهرا نجار[✉]، فرشته موتابی^۱، منصوره سادات صادقی^۱

۱. گروه خانواده درمانی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰ دریافت نسخه اصلاح شده: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

DOI: [10.48308/jfr.2025.225861.1349](https://doi.org/10.48308/jfr.2025.225861.1349)

چکیده: بدون شک خیانت زناشویی از عوامل فروپاشی رابطه‌ی همسران است و برای تمامی افراد درگیر در آن آسیب‌هایی را به همراه دارد. به دلیل خلا پژوهشی در مورد تجربیات افراد سوم، این پژوهش با روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی توصیفی به بررسی تجربیات آنان پرداخته است. در این راستا با ۱۱ زن فرد سوم مصاحبه‌ی عمقی نیمه ساختاریافته انجام شد. برای تحلیل و بررسی مصاحبه‌ها از روش کلایزی استفاده شد. نتایج حاصل از کدگذاری اولیه در قالب ۵ مرحله‌ی زمانی - پیش از شروع رابطه، به هنگام شروع رابطه، حین رابطه، اتمام رابطه و بعد از رابطه - مشخص شدند. پیش از شروع رابطه دو مضمون اصلی تاریخچه موثر و تخطی از اصول اخلاقی را شامل میشد. به هنگام شروع رابطه، مسیر آشنایی، تجربه غیرمنتظره و انتخاب آگاهانه مضامین عمده را تشکیل میدادند و در حین رابطه ۵ مضمون اصلی چگونگی این تجربه را بیان میکردند. این مضامین، ناملایمات، عوامل تداوم بخش، خواسته‌ها، اهداف و اتفاقات نام گرفتند. به هنگام اتمام رابطه مضمون اصلی، دلایل اتمام رابطه بیان شد. بعد از اتمام رابطه، ردپای رابطه، دست آوردها و بخشش مضامین اصلی بودند. همچنین جوهره‌ی اصلی تجربه، تلخی مهیج نام گرفت.

کلیدواژه‌ها: فرد سوم، تجربه زیسته، خیانت زناشویی.

استناد به این مقاله: نجار، زهرا، موتابی، فرشته و صادقی، منصوره. (۱۴۰۳). تجربه زیسته فرد سوم در خیانت زناشویی: یک مطالعه

پدیدارشناسی. خانواده پژوهی، ۲۰(۴)، -. doi: 10.48308/jfr.2025.225861.1349

[✉]نویسنده مسئول: zahra_n1996@yahoo.com

مقدمه

خیانت زناشویی به عنوان یکی از پیچیده‌ترین مسائل در روابط زوجی، پیامدهای مخربی برای تمامی افراد درگیر از جمله فرد خیانت‌کننده، فرد خیانت دیده و فرد سوم به همراه دارد (اشنایدر، باکوم و گوردون^۱، ۲۰۰۸). همچنین این پدیده، از مسائل آسیبزا در رابطهی زوجی است که آشفتگی‌هایی برای تمامی افراد درگیر در آن به دنبال دارد (بلو و هارتنت^۲، ۲۰۰۵).

شریک خیانت یا فرد سوم در این رابطه به فردی اطلاق می‌شود که با فردی متاهل وارد رابطه شده است (ویزر و ویگل^۳، ۲۰۱۵؛ اشمیت و باس^۴، ۲۰۰۱؛ اشمیت^۵، ۲۰۰۴). تلاش برای ورود به رابطه با فرد متاهل، یک رفتار برنامه‌ریزی شده در نظر گرفته می‌شود که در این رابطه فرد سوم بلاگاهی از متاهل بودن فرد مقابل وارد رابطه شده و یا رابطه را ادامه داده است (دیویس، شکلفورد و هاس^۶، ۲۰۰۷). علاوه بر این، برای رابطه با فرد سوم سه حالت امکانپذیر است: در برخی موارد فرد سوم تلاش برای جذب فرد متاهل و ادامه رابطه با او را دارد. در موارد دیگر فرد متاهل شروع کننده رابطه با فرد سوم است و در حالت سوم هر دو تلاش برای برقراری رابطه باهم را داشته‌اند، به این معنا که هر یک از طرفین تمایل به پذیرش نقش فرد سوم در رابطهی فرد مقابل و همسرش را داشته‌اند. به طور کلی اینگونه روابط در برگرندهی یک خیانت هستند چرا که فردی متاهل با فردی غیر از همسر وارد رابطه شده است (بلو و سالیوان^۷، ۲۰۱۹).

رابطه با فرد متاهل می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد، از جمله رابطه کوتاه‌مدت با فرد متاهل، رابطه بلندمدت با فرد متاهل، و شروع رابطه جدید در شرایطی که فرد متاهل به ازدواج خود خاتمه دهد. فرد سوم بیشتر به روابط کوتاه‌مدت تمایل دارد و تعداد افرادی که روابط بلندمدت را ادامه می‌دهند و یا خواستار جدا شدن فرد متاهل از همسر فعلی و شروع رابطه جدید هستند، کمتر است. دلیل این گرایش، مزایای بیشتر روابط کوتاه‌مدت و زیان‌های کمتر آن‌ها نسبت به روابط بلندمدت است (دیویس و شاکلفورد، ۲۰۱۷). همچنین، در پژوهش‌های پیشین خاطرنشان شده است که تفاوت‌های جنسیتی در تمایل به نقش فرد سوم تأثیرگذار است؛ مردان بیشتر به جذابیت جسمانی زنان متاهل توجه دارند و به دنبال تنوع جنسی هستند، در حالی که زنان به منابع و جایگاه اجتماعی طرف مقابل اهمیت می‌دهند (اشمیت و باس، ۲۰۰۱؛ دیویس، شاکلفورد و هاس، ۲۰۰۶).

بر اساس پیشینه پژوهشی، دلبستگی نیز در تمایل به ورود به روابط زناشویی نقش مهمی دارد. مطالعات نشان داده‌اند که افراد با سبک دلبستگی ناایمن، به ویژه دلبستگی اضطرابی و اجتنابی، به دلایل مختلف مانند ترس از طرد یا نزدیکی بیش از حد، تمایل بیشتری به ورود به روابط با افراد متاهل دارند (آلن و باکوم^۸، ۲۰۰۴؛ براون، ۲۰۰۱؛ ویزر و ویگل، ۲۰۱۵). این نوع روابط به آنها اجازه می‌دهد تا از تعهدات و فشارهای یک رابطه رسمی فرار کرده و در عین حال نیازهای عاطفی و جنسی خود را تأمین کنند (دیویس، شکلفورد و هاس، ۲۰۱۰). همانگونه که شختر و شیور^۹ (۲۰۰۴) نیز نشان دادند، افراد با دلبستگی اضطرابی، با هدف صمیمیت و کاهش میزان ناامنی درونی وارد روابط جنسی میشوند در حالی که افراد با دلبستگی اجتنابی نه به هدف افزایش صمیمیت و داشتن رابطهای عاطفی، بلکه برای اهداف غیرعاشقانه و مادی همچون ارتقای سطح اجتماعی وارد روابط جنسی میشوند.

علاوه بر این، ویژگی‌های شخصیتی نیز نقش مهمی در پذیرش نقش فرد سوم دارند. افراد با اختلالات شخصیتی نظیر خودشیفتگی، ضداجتماعی بودن و ماکیاولیسم (مثلاً تاریخ شخصیت) بیشتر تمایل به ورود به این نوع روابط دارند. این افراد، به دلیل عدم توجه به مرزهای اجتماعی و اخلاقی و به دلیل تمرکز بر منافع شخصی، وارد روابط زناشویی می‌شوند (برونل و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۸؛ اشمیت و باس، ۲۰۰۱). این ویژگی‌های شخصیتی، فرد سوم را نسبت به پیامدهای آسیب‌زا و اخلاقی خیانت بی‌تفاوت‌تر می‌کند (سنتیفنتی، تامسون و کاک^{۱۱}، ۲۰۱۶). البته، تفاوت جنسیتی در این خصوص جالب توجه است به گونه‌ای که سایکوپاتی در مردان متاهل احتمال موفقیت در رابطه با فرد سوم را بالا می‌برد. اگرچه وجود این صفات به این معنا نیست که مردان را بیشتر به سمت رابطه با فرد سوم سوق می‌دهد، بلکه آنها پذیرنده‌ی بهتری برای تلاش‌های فرد سوم هستند. این مسئله بار دیگر تایید کننده‌ی این مطلب است که مردان با ویژگی سایکوپاتی، تمایل به ارضای اهداف جنسی با حداقل سرمایه‌گذاری دارند (کار دوم و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۵).

راهبردهایی که فرد سوم برای حفظ یا ادامه رابطه به کار می‌برد نیز بسته به اهداف و انگیزه‌های او متفاوت است. برخی از افراد فعالانه برای جلب توجه فرد متاهل تلاش می‌کنند، در حالی که برخی دیگر نقش پذیرنده دارند و تنها به دنبال مزایای مادی یا اجتماعی رابطه هستند (دیویس و شاکلفورد، ۲۰۱۵). انگیزه‌های فرد سوم می‌تواند از تمایل به دستیابی به منابع مالی یا ارتقای وضعیت اجتماعی گرفته تا تجربه هیجان یا تنوع جنسی باشد (اشمیت و باس، ۱۹۹۶؛ باس و اشمیت، ۱۹۹۳؛ باس، ۲۰۰۶). براساس مطالعات قبلی در برخی شرایط همچون زمانی که فرد سوم از جذابیت فیزیکی بیشتر یا منابع مالی قوی‌تری نسبت به همسر فرد متاهل برخوردار است (دیویس و شاکلفورد، ۲۰۱۷)، و یا شرایطی که رابطه دوستی‌ای میان فرد سوم و فرد متاهل برقرار است، این انگیزه‌ها می‌تواند با احتمال بیشتری منجر به شکل‌گیری رابطه با فرد متاهل گردد (ماگیلسکی و وید^{۱۳}، ۲۰۱۳).

جالب توجه است که افراد سوم در روابط با افراد متاهل از منافع مشترک مانند جذابیت جنسی و منابع اقتصادی بهره‌مند می‌شوند که ریشه در نیازهای تکاملی دارند. همچنین، مزایای خاصی مانند تنوع جنسی برای مردان و حمایت یا انتقام برای زنان وجود دارد. با این حال، این روابط معایبی نیز دارند، از جمله نگرانی‌های مردان از خیانت مجدد و بیماری‌ها و نگرانی زنان از بارداری ناخواسته و خیانت. زنان اغلب احساس خودتخریبی و پست بودن را تجربه می‌کنند (اشمیت و باس، ۲۰۰۱). بنابراین می‌توان گفت که رابطه با فرد متاهل برای زنان و مردان یکسان نیست و جنسیت در به کار بردن راهبردها برای شروع رابطه، انگیزه شروع و ادامه دادن به رابطه نقش مهمی دارد.

لذا با توجه به پژوهش‌های محدود در این زمینه و به دلیل احساس نیاز به آگاهی بیشتر در مورد تجارب افراد سوم در یک رابطه با فرد متاهل بر این موضوع متمرکز خواهیم شد. شناسایی بیشتر تجارب فرد سوم علاوه بر کمک به درمانگران برای پیش‌برد بهتر درمان خیانت زناشویی، منجر به درک بهتر این پدیده و در نتیجه کمک بیشتر به افراد سوم جهت کاهش زیانهای دریافت شده از این روابط می‌شود. از آنجایی که این پژوهش اولین گام برای درک پدیده خیانت از دیدگاه فرد سوم می‌باشد و از آنجایی که پژوهش‌های موجود در حیطه خیانت کمتر به نقش و دیدگاه فرد سوم پرداخته‌اند، به این مسئله که چرا این افراد وارد رابطه با فرد متاهل می‌شوند

و یا به دلایل آنها برای ادامه این روابط پرداخته نشده است. پژوهش بیشتر در این زمینه و شناسایی تجربه زیسته فرد سوم علاوه بر شناخت بیشتر پدیده خیانت، موجب کشف سود و زیان‌هایی می‌شود که افراد سوم نیز در این روابط متحمل می‌شوند.

بنابراین هدف از انجام این پژوهش بررسی عمیق تجربه فرد سوم در خیانت زناشویی است تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱) تجربه اصلی فرد سوم از قرار داشتن در یک رابطه با فرد متاهل چیست؟

۲) این تجارب چه مضامینی را در بر می‌گیرد؟

۳) تجارب فرد سوم چگونه توصیف می‌شوند؟

۴) چرا فرد سوم در رابطه با فردمتاهل میماند؟

روش پژوهش: جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش حاضر، کیفی با رویکرد پدیدارشناسی است. پژوهش کیفی با نوعی جهان‌بینی به کاوش در مورد معانی پدیده‌ها و مسائل و تجارب روزمره افراد می‌پردازد و به منظور فهم عمیق‌تر پدیده‌ها در صدد معنا بخشیدن به آنهاست. روش به دنبال توصیف معنای تجارب زیسته‌ی افراد از یک مفهوم یا پدیده است. پدیدارشناسان اشتراکات مشارکت‌کنندگان در تجربه‌ی یک پدیده را مدنظر قرار می‌دهند. بنابراین محقق با گردآوری داده‌ها از افرادی که یک پدیده مشترکی را تجربه کرده‌اند، به توصیفی از جوهره‌ی پدیده‌ی مذکور دست می‌یابد (کرسول، ۲۰۰۷: ۱۴). در این پژوهش برای شناخت بهتر پدیده‌ی رابطه با فرد متاهل و تجربیات افراد سوم روش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی به کار گرفته شد تا توصیفی که افراد با تجربه مشترک از پدیده‌ی مورد مطالعه ارائه می‌دهند، بدون قضاوت و پیش‌فرض‌های موجود جمع‌آوری گردد.

جامعه آماری در این پژوهش شامل زنانی است که حداقل یکبار با مرد متاهل ارتباط عاطفی یا جنسی داشته‌اند. بنابراین ملاک ورود به پژوهش حاضر داشتن حداقل یک ماه رابطه با مرد یا مردان متاهل در صورت آگاهی از تاهل فرد مقابل بود و ملاک‌های خروج شرکت‌کنندگان از پژوهش، اذعان به داشتن رابطه با مرد یا مردان متاهل در دوره‌ی فعال سایکوتیک یک اختلال و اذعان به داشتن رابطه با مرد یا مردان متاهل در ازای دریافت پول (به عنوان شغل) و داشتن روابط متعدد از این طریق، تعریف شد.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدفمند و گلوله برفی بوده است. گروه نمونه شامل زنانی بود که بنا به اظهار خود با مرد یا مردان متاهل در رابطه‌ی عاطفی یا جنسی بوده و یا هستند. بدین منظور اطلاعی‌های با ذکر شرایط شرکت در پژوهش، تهیه و از طرق مختلف اطلاعرسانی شد. برخی از مصاحبه‌شوندگان از این طریق با پژوهشگر آشنا شدند. از طرفی در انتهای هر مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان سوال می‌شد که اگر با فرد دیگری با شرایط ذکر شده به عنوان نمونه‌ی این پژوهش آشنایی دارند برای مصاحبه به اینجانب معرفی کنند. در نهایت نمونه‌ی مورد نظر از روش‌های گفته شده به دست آمد. در پژوهش‌های کیفی، حجم نمونه از ابتدا مشخص نیست و جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی که اطلاعات جدیدی به دست نیاید و به اصطلاح داده‌ها به اشباع نرسند، ادامه می‌یابد (اسمیت، ۲۰۱۵؛ کرسول، ۲۰۰۷). در این پژوهش بعد از ۹ مصاحبه، داده‌ی جدیدی به دست

نیامد و برای اطمینان از اشباع داده‌ها ۲ مصاحبه دیگر نیز انجام شد. در مجموع نمونه‌ی مطالعه‌ی حاضر شامل ۱۱ زن بود. در جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی آنها ارائه شده است.

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

کد	سن	تحصیلات	وضعیت تاهل به	مدت رابطه	نوع رابطه	مدت زمان اتمام رابطه	تعداد فزند
۱	۲۵	کارشناسی	مجرد	۲ سال	عاطفی-جنسی-هم‌خانگی	۲ هفته	-
۲	۲۶	کارشناسی	مجرد	حدوداً ۲ سال	عاطفی-جنسی	۲ ماه	-
۳	۲۳	کارشناسی	مجرد	۷ ماه	عاطفی-جنسی-صیغه	یکسال و نیم	-
۴	۴۶	کارشناسی ارشد	مجرد	۹ ماه	عاطفی-جنسی	۱۳ سال	-
۵	۲۷	پزشکی عمومی	مجرد	۶ ماه	عاطفی	۱ ماه	-
۶	۳۸	کارشناسی	مجرد	مورد اول: ۱ سال مرد دوم: ۴ سال	عاطفی-جنسی-هم‌خانگی	مورد اول: ۵ سال مرد دوم: ۵ سال	-
۷	۳۸	کارشناسی ارشد	مجرد	۳ ماه	عاطفی-جنسی	۱۰ سال	-
۸	۳۶	دکتری	در رابطه	۴ سال ناپیوسته	جنسی	جاری	-
۹	۳۶	کارشناسی	مجرد	۷ سال	عاطفی-جنسی	جاری	-
۱۰	۲۵	کارشناسی	در رابطه	۸ ماه	عاطفی-جنسی	۵ سال	-
۱۱	۲۸	کارشناسی ارشد	متاهل	۱ سال	عاطفی-جنسی	۲ ماه	-

ابزار پژوهش

با توجه به روش پژوهش حاضر، از مصاحبه عمقی به منظور ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شد. بدین منظور ابتدا مصاحبه با سوالات بازپاسخ شروع شده و در ادامه سوالات اختصاصی‌تری برای روشن کردن بیشتر تجارب هر فرد پرسیده شد. مصاحبه‌ها به صورت انفرادی در مکانی که توسط پژوهشگر پیشنهاد شده بود، در کمال آرامش و محرمانگی صورت گرفت. بعد از کسب رضایت از شرکت‌کنندگان، مصاحبه ضبط شد و اطمیناندهی از مسائل اخلاقی و رازداری به افراد داده شد. مصاحبه‌های غیرحضوری در زمان و مکانی که شرکت‌کنندگان احساس راحتی بیشتری برای صحبت‌کردن داشتند، انجام شد و به مشارکت‌کنندگان گفته شد که در صورت تمایل می‌توانند از نتایج پژوهش مطلع شوند.

حیطه‌ی کلی سوالات شامل دلایل شروع رابطه و جذابیت‌های فرد مقابل برای فرد سوم بود. بعد از شروع، چگونگی پیش‌برد رابطه همچون سود و زیان‌هایی که افراد سوم متحمل میشدند، دلایلی که باعث تداوم این رابطه میشد و یا اتفاق‌هایی که در رابطه می‌افتاد و بر آن موثر بود مورد سوال واقع شد. در روابطی که به اتمام رسیده بودند، دلایل اتمام و پیامدهای رابطه بعد از اتمام آن نیز از جمله سوالات مصاحبه بودند.

مراحل اجرایی پژوهش

پس از تایید نهایی طرح پژوهش، راهنمایی برای سوالات مصاحبه، به کمک اساتید راهنما و مشاور و با توجه به پیشینه‌ی پژوهشی تدوین شد. سپس پژوهشگر چندین مصاحبه را به صورت ایفای نقش با استاد راهنما و دو نفر دیگر انجام داد. در این فرایند چالش‌های موجود بررسی شد و آمادگی نهایی محقق برای مصاحبه با شرکتکنندگان از جانب اساتید مربوطه، تایید شد. در گام بعدی برای دسترسی به نمونه‌ی مورد نظر، فراخوانی با ذکر شرایط پژوهش طراحی شد و در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام و تلگرام منتشر گردید. بعد از تماس با داوطلبین و توضیح شرایط پژوهش، اصول اخلاقی و رازداری، زمان و مکان مصاحبه توسط پژوهشگر تعیین شد و با توافق داوطلب، نهایی گردید. همچنین به علت اجرای فرایند پژوهش در شرایط بیماری کرونا و قرنطینه خانگی، به منظور حفظ سلامت افراد، برخی مصاحبه‌ها به صورت تماس تصویری در زمان مورد توافق پژوهشگر و شرکتکننده، صورت گرفت. قبل از شروع مصاحبه یک فرم آگاهی از شرایط پژوهش و رضایت از شرکت در تحقیق به مشارکت کنندگان حضوری، داده میشد و برای مشارکتکنندگان غیرحضور قرائت میشد تا ابهامات احتمالی رفع گردد و رضایت ایشان برای ادامه دادن فرایند پژوهش دریافت شود. مدت زمان اجرای هر مصاحبه بین ۶۰ تا ۱۵۰ دقیقه، بسته به هر فرد متغیر بود و با هر فرد یک جلسه مصاحبه شد. تمامی مصاحبه‌ها با آگاهی شرکتکننده ضبط میگردد و بعد از انجام، به اصطلاح "پیاده" شده و به متن تبدیل شدند. سپس هر متن چندینبار توسط محقق خوانده شد تا با فضای کلی آن به حد کافی آشنا گردد. با تایید آمادگی استاد راهنما فرایند کدگذاری داده‌ها توسط پژوهشگر تا مرحله‌ی اشباع ادامه یافت. کدگذاریها طی جلساتی با اساتید راهنما و مشاور بررسی شده و کیفیت کدها افزایش یافت. در آخر برای افزایش اعتبار پژوهش مضامین استخراج شده با دو نفر از مصاحبه‌شوندگان به اشتراک گذاشته شد.

روش تحلیل داده‌ها

در این پژوهش از روش توصیفی که توسط کلایزی^{۱۵} (۱۹۷۸) مطرح شده، استفاده شد. هر مصاحبه بعد از ضبط، پیاده شده و به متن تبدیل شده است. متن‌ها به دقت و چندین بار خوانده شده تا آشنایی لازم با فضای تجربیات ذکر شده، صورت پذیرد. در مرحله‌ی بعدی با دقت و تامل بیشتر متن‌ها بازخوانی شده تا بخش‌های مهمی از توصیفات شرکت کنندگان که تجربه‌ی مورد نظر را مطرح می‌کردند، مشخص شوند. برای این کار از نرم افزار MaxQDA-۲۰۲۰ استفاده شد و هر کدام از قسمت‌های مشخص شده نام‌گذاری شدند. این نام‌ها تحت عنوان کدهای اولیه، چندین بار مورد اصلاح و بازنگری توسط پژوهشگر و استاد راهنما قرار گرفته و برای اعتباریابی بیشتر توسط ۲ نفر که با روش پژوهش آشنایی کافی داشتند، بررسی شدند. بعد از تایید از معتبر بودن کدها، دسته بندی کدها آغاز شد و مضامین فرعی استخراج شدند. در نهایت مضامین فرعی مشترک

تشکیل مضامین اصلی و جوهره‌ی پدیده موردنظر را دادند. مراحل‌ی که ذکر شد به صورت رفت و برگشتی در طی پژوهش و مصاحبه‌ها جریان داشت و نتایج هر مرحله به سمع و نظر اساتید راهنما و مشاور می‌رسید.

یافته‌ها

پژوهش حاضر با هدف شناسایی تجربه‌ی زیسته‌ی فرد سوم در خیانت زناشویی انجام گردید. بنا بر توصیف افراد سوم از تجربه‌ی این روابط، ۱۴ مضمون اصلی در ۵ مرحله‌ی زمانی-پیش از رابطه، همزمان با شروع رابطه، حین رابطه، اتمام رابطه و بعد از رابطه- به دست آمد. مضامین عمده قبل از رابطه به تاریخچه‌ی زندگی افراد سوم در روابط گذشته و آشفته‌گی‌های درونی و محیطی آنها مرتبط می‌شد. تخطی از اصول اخلاقی نیز از مضامین پیش از رابطه بود. به هنگام شروع رابطه، مضامینی همچون مسیر آشنایی، تجربه‌ی غیر منتظره و انتخاب آگاهانه چرابی شروع رابطه را پاسخ میدادند. مضامین عمده‌ی حین رابطه، ناملایمات، عوامل تداوم بخش، خواسته‌ها، اهداف رابطه و اتفاقات چگونگی تجربه را مطرح می‌کردند. دلایل اتمام رابطه از جانب فرد سوم و فرد متاهل، مضمون اصلی این تجربه به هنگام اتمام رابطه بود و ردپای رابطه، دست‌آوردها و بخشش از مضامین عمده‌ی تجربه فرد سوم بعد از اتمام رابطه با فرد متاهل توصیف شد. مضامین مطرح شده در برگزیده‌ی مضامین فرعی و واحدهای معناداری هستند که در ادامه به تفصیل بیان می‌شوند.

الف) مضامین عمده در تجربه‌ی افراد سوم پیش از شروع رابطه

افراد سوم تجاربی را بیان کردند که قبل از شروع رابطه با فرد متاهل بود. طی کدگذاری مصاحبه‌ها ۲ مقوله‌ی اصلی مرتبط با تجارب افراد سوم پیش از شروع رابطه با فرد متاهل استخراج شد که شامل: تاریخچه‌ی موثر و تخطی از اصول اخلاقی می‌باشد.

۱- تاریخچه‌ی موثر

در پی مصاحبه‌های انجام شده، افراد سوم تجربیاتی را بیان کردند که قبل از شروع رابطه داشتند و به گونه‌ای بر انتخاب این رابطه موثر بودند. این تجارب یا به روابط افراد سوم مرتبط می‌شدند یا آشفته‌گی‌هایی را مطرح می‌کردند که قبل از تصمیم‌گیری برای انتخاب این رابطه داشتند.

۱-۱ تجارب پیشین رابطه‌ای

افراد سوم تجربیاتی را در طول زندگی خود مطرح کردند که به رابطه با جنس مخالف مربوط می‌شد. اظهارات مشارکت‌کنندگان دو دسته‌ی کلی را مطرح می‌کرد: تجربیاتی که نشان از روابط زیاد و ناپایدار با جنس مخالف بود، که مصاحبه شونده شماره ۹ داشتن روابط ناپایدار و متعدد را این چنین بیان میکرد: "من متأسفانه زود وارد یه رابطه می‌شدم و هیچوقت به این فکر نمی‌کردم که یه مقدار بیشتر تصمیم بگیرم پیهو میدیدم با یه نفر دوست هستم ولی اینطوری نیستش که این ادم بخواد واسه من اون آدمی باشه که میخوام. و همین باعث می‌شد روابطمو سرانجام بدم و دیگه وارد ادامه رابطه نشم" و تجربیاتی که کمبود رابطه با جنس مخالف و بی‌تجربگی در این زمینه را بیان می‌کردند. مثلاً مصاحبه شونده شماره ۴ بیان کرد که شناخت کافی از رابطه با جنس مخالف را تا زمان شروع رابطه با فرد متاهل نداشته است: "من ۳۰ سالم بود اما نه ۳۰ ساله‌ی الان و امروزی‌ها. یعنی بهتون بگم. به لحاظ بلوغ فکری در رابطه با جنس مخالف اصلاً بلوغی اتفاق نیفتاده بود چون تجربه‌ی ای نداشته‌م و اصلاً سن شناسنامه‌ی من هیچ تناسبی با رشد من در این زمینه متأسفانه نداشت"

۲-۱ آشفته‌گی‌ها

بخشی از تجربیات افراد سوم پیش از شروع رابطه با فرد متاهل به آشفته‌گی‌ها و شرایط نابسامان زندگی آنها مرتبط بود که به گفته‌ی خود افراد، این شرایط مسیر انتخاب رابطه با فرد متاهل را هموارتر می‌کرد. این آشفته‌گی‌ها یا به درون آشفته فرد اشاره داشت؛ همچون حس قربانی بودن، حس دوست داشتنی نبودن، داشتن افکار خودکشی، انزوای درونی و...، یا محیط آشفته فرد مثل روابط مشکل‌دار با پدر، مادر و مشکلات خانوادگی، خیانت همسر و یا سابقه آزار جنسی در کودکی را نشان میداد. در این خصوص مصاحبه شونده شماره ۷ در مورد احساس تنهایی درونی و انزوا به دلیل مشکلات خانوادگی میگفت: "هیچکدام از اونا با من حرف نمیزنن (گریه) یعنی وقتی میومدم خونه من پنجشنبه جمعه‌ها قشنگ روزه سکوت بود چون هیشکی با من حرف نمیزد (گریه)...". و مصاحبه شونده شماره ۴ اوضاع نابسامان خانواده را مطرح کرد: "خب به لحاظ خانوادگی من یسری مشکلاتی داشتم که من و سوق داد به طرف این آقا و محبت ایشون برای من انقدر شیرین شد و بولد شد"

۲- تخلفی از اصول اخلاقی

افراد سوم در بیان تجربیات خود قبل از شروع رابطه، صحبت از اصولی داشتند که خط قرمز اخلاقی برای آنها محسوب می‌شده است. تابو بودن رابطه با فردی که متاهل است، نگرش منفی به سیغه، به روابط کوتاه مدت و به خیانت از جمله اصول اخلاقی‌ای بود که افراد سوم در روابط خود توصیف کردند. مصاحبه شونده شماره ۳ از نگرش خود به رابطه با فرد متاهل پیش از شروع رابطه‌اش اینگونه صحبت کرد: "قبلا از این مسائل دیده بودم. زیادم دیده بودم. همیشه واسم سوال بود که چی میشه یه دختر حاضر بشه همچین کاری بکنه یعنی چی بهش میرسه که حاضر بکنه. هیچوقت فکر نمی‌کردم واسه خودم پیش بیاد. از بیرون نگاه می‌کردم رابطه جالبی به نظرم نمیومد" و مصاحبه شونده شماره ۸ از دید منفی خود به خیانت گفت: "وقتی میشنیدم ناراحت می‌شدم که مردی به زنش خیانت کرده یا زنی به مردی خیانت کرده خب هنجار اجتماعی داره به ما میگه که این موضوع بدیه کار بدی انجام شده".

ب) مضامین عمده در تجربه افراد سوم به هنگام شروع رابطه

بعد از مصاحبه با افراد سوم، تجاربی کدگذاری شدند که مرتبط با شروع رابطه با فرد متاهل بود. در طی کدگذاری ۳ مضمون اصلی تحت عنوان مسیر آشنایی افراد سوم با فرد متاهل، تجربه‌ی غیرمنتظره برای افراد سوم و انتخاب آگاهانه افراد سوم برای شروع رابطه با فردی که متاهل است، به دست آمد.

۱- مسیر آشنایی

فرایند آشنایی و شروع رابطه با فرد متاهل به گفته‌ی افراد سوم از شناخت قبل از رابطه ناشی می‌شد. توصیفی که افراد سوم از شروع رابطه داشتند به آشنایی قبلی با فرد متاهل از طرق مختلف، مرتبط می‌شد.

۱-۱ آشنایی قبل از رابطه

به گفته‌ی افراد سوم، آشنایی که فرد سوم و فرد متاهل پیش از شروع رابطه داشتند در شکل‌گیری این ارتباط موثر واقع می‌شد. همکاری، رفت و آمد و شناخت خانوادگی و اهمیت فضای کاری از جمله موارد ذکر شده بود. مصاحبه شونده شماره ۲ که آشنایی قبلی با فرد متاهل و همسرش داشت از رفت و آمد به منزل فرد متاهل در

زمان حضور همسر و شروع رابطه گفت: "من تو این دو سه ماه خونشون هم خب میرفتم دیگه همسرش مثلا تو آشپزخونه بود اون یهو به چشمک مثلا ریز میومد که هواتو دارم حواسم هست که اینجایی". یا مصاحبه شونده شماره ۶ شروع رابطه را ناشی از همکاری و شناخت قبلی می‌دانست: "اول همکار بودیم بعد آشنا شدیم ایشون میومد خونه ما من میرفتم. برادرش عموش کار هنری انجام میداد میدیدم با همدیگه. همکاری بودش"

۲- تجربه‌ی غیر منتظره

افراد سوم مواردی را به هنگام شروع رابطه مطرح کردند که حاکی از این بود که رابطه با فرد متاهل برای آنان غیر قابل پیش‌بینی بود و این افراد قبل از شروع ارتباط تصمیمی مبنی بر رابطه با فردی که متاهل است نداشتند. صمیمیت غیرقابل کنترل در جریان آشنایی و این دیدگاه که تاهل فرد مقابل مانعی برای شروع رابطه ما تلقی می‌شود، موید این نکته است. در همین راستا مصاحبه شونده شماره ۲ از رد کردن پیشنهاد رابطه از جانب فرد مقابل به دلیل تاهل فرد، اینگونه صحبت کرد: "گفتم چی میگی من اصن تو ذهنم نمیگنجه تو مثلا سر خونه زندگی. بعد خودش این شکلی بود که من فقط میخوام بهت بگم که بدونی. اتفاقی قرار نیست بیفته، من مثلا ازدواج کردم تو قطعاً تو رابطه‌های خودت خواهی رفت". مصاحبه شونده شماره ۴ نیز از صمیمیت کنترل نشدنی که باعث شکل‌گیری ارتباط شد گفت: "تقریباً بعد از ۲ سال که ما دیگه با هم آشنا شده بودیم حتی خانواده‌ی من و میشناخت من از خیلی مشکلاتش مطلع بودم. بعد شاید اصلاً غیر قابل کنترل بود این صمیمیت دیگه"

۳- انتخاب آگاهانه

به هنگام شروع رابطه، عواملی همچون جذابیت‌های فرد مقابل، عوامل تسهیل‌گر برای انتخاب رابطه با فردی که متاهل است و دلایلی که شروع رابطه را توجیه می‌کرد، باعث شد که فرد سوم آگاهانه این ارتباط را انتخاب کند.

۳-۱ جذابیت‌ها

ظاهر مناسب فرد مقابل، رفتار جذاب و ویژگی‌های که از نظر فرد سوم مهم و مثبت تلقی می‌شد پذیرش این رابطه را هموار می‌کرد.

ویژگی‌های مثبت

ویژگی‌های مثبت شامل ویژگی‌هایی است که که فرد مقابل داشته و از نظر افراد سوم مثبت تلقی شده است. این ویژگی‌ها گاهی به شرایط فرد مقابل مثل خانواده‌دار بودن و یا وضعیت خوب مالی مربوط می‌شد و گاهی مختص به ویژگی‌های شخصیتی و فردی او بود. برای مثال، مصاحبه شونده شماره ۴ از اهمیت وجهه‌ی اجتماعی فرد مقابل برای پذیرش رابطه گفت: "خب وجهه‌ی اجتماعی ایشون خوب بود". مصاحبه شونده شماره ۱۱ بیان کرد که همراهی خوب فرد مقابل در همه شرایط او را به سمت شروع رابطه سوق داده است: "هر وقت که بهش احتیاج داشتم در دسترس بود این خیلی مهم بود واسم چون کسی بود که بخاطر این وضعیتی که داشتش تقریباً شغلش پاره وقت شده بود و خیلی وقتاً تایم آزاد زیاد داشت و کامل در دسترس بود دیگه هر وقت که احتیاج داشتم حاضر بود که بیاد حضوری کمکم کنه حالا هر چی".

رفتار جذاب

ویژگی‌های رفتاری فرد مقابل همچون درستکاری، خوش صحبت بودن، شوخ‌طبعی و رفتار محترمانه که از دید فرد سوم مثبت تلقی می‌شده فرایند شروع رابطه را هموارتر کرده است. مصاحبه شونده شماره ۶ رفتار با احترام فرد مقابل با دیگران بخصوص خانم‌ها را از جذابیت‌های رفتاری فرد مقابل می‌دانست: "خیلی با خانمها محترم رفتار می‌کردش خیلی.. اصلا مثلا ... هیچوقت مثلا حتی با خانم خودشم بی احترامی نمی‌کرد"

جذابیت ظاهری

ویژگی‌های ظاهری فرد مقابل مثل صدا، چهره، قد و یا خوش لباسی از جمله جذابیت‌های ظاهری فرد مقابل برای فرد سوم بیان شد.

مصاحبه شونده شماره ۱۱ در توصیف فرد مقابل اینگونه گفت: "از نظر قیافه آدم خوش قیافه‌ای بود" و مصاحبه شونده شماره ۷ از جمله دلایل پذیرش رابطه را ظاهر فرد مقابل می‌دانست: "خب صدایش برام جذاب بود قدشو خیلی دوست داشتم قدش بلند بود"

۳-۲ تسهیل‌گرها

در پی بیانات افراد سوم از عواملی که تسهیل‌گر شروع رابطه با فرد متاهل بودند، می‌توان به رابطه‌ی معیوب فرد مقابل، ویژگی‌های فرد سوم، عوامل مربوط به فرد مقابل و شرایط زمینه‌ای اشاره کرد.

رابطه‌ی معیوب فرد مقابل

افراد سوم بیان کردند که مشکلات رابطه‌ی فرد متاهل با همسر برای تصمیم‌گیری آنها در مورد شروع رابطه با فرد متاهل عامل مهمی محسوب می‌شده است. ازدواج مشکل‌دار، طلاق عاطفی فرد مقابل و همسر، فاصله مکانی فرد مقابل با همسر، ادعای فرد مقابل در مورد نداشتن رابطه‌ی جنسی با همسرش و تصمیم به جدایی فرد مقابل از جمله این عوامل بود. مصاحبه شونده شماره ۳ مشکلاتی را در رابطه‌ی فرد مقابل با همسرش مطرح می‌کرد که تسهیل‌گر شروع رابطه‌اش با فرد مقابل شده بود: "اون میگفت نه من اون موقع ۱۸ سالم بوده نمیفهمیدم. خانواده ام میخواستن. فلان و این حرفا. میگفت اون بلد نیست منو. کارایی میکنه که مثلا من دوست ندارم. به همه چیز من گیر میده. نوع آهنگ گوش کردنم نمیدونم تلویزیون دیدن. از بیرون اومدن خونه چمیدونم این حرفا". مصاحبه شونده شماره ۴ بیان کرد که فاصله‌ی عاطفی که بین فرد مقابل و همسر وجود داشت در تصمیم او برای شروع رابطه موثر بود: "خودشو یه مرد آزاد معرفی کرد. و امم روابطش با خانمش هم به گونه ای بود که مثلا اینا مهمونی نمیرفتن مسافرت نمیرفتن باهم غذا نمیخوردن اتاق‌های جدا داشتن .. اینجوری بود..". و مصاحبه شونده شماره ۴ هم عنوان کرد که به هنگام شروع رابطه، فرد مقابل از تصمیم به جدایی از همسرش صحبت کرده و این مسئله از عوامل موثر بر شروع رابطه بود: "ایشون دقیقا اولین باری که خواست رابطه رو صمیمی کنه با تاکید گفت من یه مرد آزادم. ما با هم دادگاه هم رفتیم با خانمم و کار به اون نقطه‌ی آخرش اگر نرسیده فقط بخاطر بچه بوده و این که بهم یه فرصتی دادیم برای این که بچه به یه جاکاری برس یعنی دادگاه به من اجازه‌ی ازدواج مجدد هم داده و خودشو یه مرد آزاد معرفی کرد "

ویژگی‌های فرد سوم

از طرفی دیگر افراد سوم، شرایط یا ویژگی‌های شخصی را مطرح کردند که به پذیرش این ارتباط و شروع رابطه با فرد متاهل کمک می‌کرد. سن، مجرد بودن، حامی بودن، تایید طلبی و قوی نبودن از جمله عوامل مربوط به فرد سوم بود که تسهیل‌گر شروع رابطه با فرد متاهل محسوب می‌شد. مصاحبه شونده شماره ۶ سن خود را عامل تسهیل‌گری برای شروع ارتباط با فردی می‌دانست که متاهل است: "واقع بین که باشی میگی آره دیگه من مثلا ۳۸ سالمه‌یه آقایی میخواست با من ازدواج کنه ۴۵ ساله حدودیه با یه بچه ۲۰ ساله که نمیتونم ازدواج کنم بالاخره". مصاحبه شونده شماره ۸ از ارضا شدن نیاز به قدرت و خودمیان‌بینی خود در شروع رابطه با فرد متاهل صحبت کرد: "دیدم من از لحاظ تایید شدگی و دسترسی ناپذیری همچنان دارم لذت میبرم و اون التماس کنه و من.. این بازی و ادامه دادم دوست داشتم توش قرار بگیرم ببینم تا کجا اون میخواد بیاد."

عوامل مربوط به فرد مقابل

در پی مصاحبه‌ها، به عواملی اشاره شد که مختص به فرد مقابل بود و در شروع رابطه موثر واقع می‌شد. سن فرد مقابل، پیگیری‌های او برای شروع ارتباط، مخفی کردن وضعیت تاهل و مشکلات شخصی او از جمله این عوامل بود. مصاحبه شونده شماره ۵ بدون اطلاع از متاهل بودن فرد مقابل وارد رابطه شده بود و بیان می‌کرد که به دلیل مخفی کردن این موضوع از جانب فرد مقابل، تصمیم به شروع رابطه گرفته بود: "همیشه میگفت من یه مرد "آزادم". حتی یادمه اون اوایلی که ما با هم دوست شده بودیم سفر مجردی رفت با دوستاش خب من اصلا شک نمی‌کردم که اون زن داشته باشه بعد سفرای مجردیشم هنوز میرفت همچنان". مصاحبه شونده شماره ۶ پیگیری‌های فرد مقابل را دلیلی برای پذیرش رابطه از جانب ایشان تلقی می‌کرد: "همین که خود ایشون ۵ سال پیگیر ارتباط با من بودن خودش به نظر من یه پوئن مثبته"

شرایط زمینه‌ای

افراد سوم شرایط کلی‌ای را مطرح کردند که کمک‌کننده به شکل‌گیری این ارتباط بود. داشتن مسیر مشترک با فرد متاهل، پیشنهادات زیاد از این افراد، رایج بودن رابطه با فرد متاهل در جامعه و تجربه و تاثیر اطرافیان از عوامل زمینه‌ای شروع رابطه بود. مصاحبه شونده شماره ۵ گسترش رابطه با فرد متاهل در جامعه را تسهیل‌گر پذیرش این ارتباط عنوان کرد: "من بارها شده بود به من پیشنهاد دوستی داده بودن می‌خواستم دک کنم میگفتم نامزد دارم بعد مثلا پسره میگفتش که من که کاری با نامزدت ندارم. فکر می‌کنم یه همچین چیزی جا افتاده" و مصاحبه شونده شماره ۸ بیان کرد که فراوانی تجربه‌ی رابطه با فرد متاهل در اطرافیان تصمیم‌گیری برای شروع این روابط را راحت‌تر می‌کرد: "تو گروه دوستان بودم البته استادمونم بود دقیقا اونجا نفر سومن اکثرا نفر سومن". مصاحبه شونده شماره ۴ هم عنوان کرد که دوستان نیز در پذیرفتن این رابطه موثر واقع می‌شدند: "یکی از دوستام تصادفا متوجه شد که اونم حالا.. اونم البته آدم موقفی نبود تو ارتباطاتش اما اونم تاییدش کرد و گفتش که نه چرا خودشو سرزنش میکنی نه اینجوری که داری میگی مشکلی نیست"

۳-۳ دلایل شروع رابطه

با وجود تمام مواردی که ذکر شد، افراد سوم دلایلی را ذکر کردند که بناکننده‌ی رابطه‌ی آنها بوده است. تسکین، کمک، درد و دل، کنجکاوی و انتقام از همسر از جمله‌ی این دلایل بود. مصاحبه شونده شماره ۲

تسکین بودن برای مشکلات فرد مقابل را علت شروع رابطه بیان کرد: "من دیدگاهم برای ادامه‌ی این این شکلی بود و اون موقع که ما با هم حرف میزدیم من اصلا این حس و نداشتم که این آدمه منو دوست داره این شکلی بودم که خب ما یه دوستی بودیم حوزه‌ی امنش بودم". مصاحبه شونده شماره ۱۱ به علت خیانتی که از همسر خود دیده بود، تصمیم به پذیرفتن پیشنهاد رابطه از فرد مقابل گرفت. خود علت این رابطه را انتقام از همسر می‌دانست: "البته یه چیزی هم بگم من شاید اگ به یه علت طبیعی جدا می‌شدم مثلا به علت عدم تفاهم مثلا جدا می‌شدم شاید هیچوقت اینکار و نمی‌کردم ولی انگار که به صورت ناهشیار اون اول وقتی طرف بهم پیشنهاد داد گفتم که چرا این با دو نفر دو نفر باشه و سه سال من و ایگنور کنه و اینا من نباشم خب منم میرم تو رابطه با یکی دیگه. انگار که هشیارانه نه‌ها انگار ته دلم میخواست انتقام بگیره‌ها! منم میرم فلان می‌کنم. میدونی اینم بود"

ج) مضامین عمده در تجربه‌ی زیسته‌ی فرد سوم در حین رابطه

بعد از شروع رابطه، افراد سوم تجربیاتی را توصیف کردند که ۵ مضمون عمده را در بر میگرفت. ناملایمات رابطه، عوامل تداوم‌بخش، خواسته‌ها، اهداف و اتفاقات از جمله مضامین اصلی تجربه‌ی زیسته‌ی افراد سوم به توصیف آنان بود.

۱- ناملایمات

طی توصیفات افراد سوم، رابطه با فرد متاهل مشکلات، سختی و تلخی‌هایی داشته که رابطه را برای افراد سوم گاهی ناخوشایند می‌کرده است. تناقضات، احساسات بد و دغدغه‌های درون رابطه از دیگر بدی‌های این ارتباط بوده است. به گفته‌ی این افراد گرچه هر رابطه‌ای احتمالا تلخ و شیرینی‌هایی دارد اما بعضی از ناملایمات ذکر شده در رابطه مختص به ارتباط با فردی که متاهل است، بود. در ادامه به توضیح بیشتر هر مورد می‌پردازم.

مشکلات

رابطه با فرد متاهل هم همانند هر رابطه‌ی دیگری مشکلاتی را در پی دارد. این مشکلات ۴ موضوع را در بر میگرفتند. حساسیت‌های فرد مقابل بر ارتباطات فرد سوم، مسائل رابطه‌ی او با همسرش، تفاوت‌های فردی که فرد سوم با فرد متاهل داشته و لذت انحصاری فرد سوم در این ارتباط از جمله مشکلات رابطه با فرد متاهل به گفته‌ی افراد سوم بود. مصاحبه شونده شماره ۵ عمده‌ی مشکلات رابطه با فرد مقابل را حساسیت او به روابطش با دیگران عنوان می‌کرد: "یکی دو مورد همون حساسیت‌ها بود که دائم گیر میداد به من که آره فلانی بهت این و گفت من خوشم نیامد.. مثلا غیرتی بازی مسخره". مصاحبه شونده شماره ۶ تاثیر مشکلات رابطه‌ی فرد مقابل با همسرش را بر رابطه‌ی خود با فرد مقابل را این گونه عنوان کرد: "من مثلا بهش میگفتم بابا تکلیف این زندگی و روشن کن حالا هر دفعه میرم میرم.. مثلا خیلی سست نسبت به این مسئله بودش بعد همیشه بحشونم سر اینجور مسائل بود"

احساسات بد

تجربه‌ی احساسات متفاوت در طی رابطه از دیگر توصیفات افراد سوم بود. حس‌های منفی مثل غم، خشم، حقارت، احساس گناه، حس قربانی شدن و غیره از جمله ناملایمات رابطه با فرد متاهل بود که در سراسر رابطه تجربه می‌شد. مصاحبه شونده شماره ۲ از تجربه‌ی اضطراب زیاد در ارتباط صحبت کرد: "استرسه توامان همه

لحظه‌هایی که اونجا بودم با من بود. ولی هی سعی می‌کردم به خودم بگم بابا الان که اینجا ایجا باش. مثلا به درک که اتفاقات دیگه.. همسرش الان نیست اون نیست تو خودت خواستی بیای پس دیگه پرونده نگرانی تو ببند ولی استرسه بود". مصاحبه شونده شماره ۳ از تجربه‌ی احساس حقارت در سراسر رابطه گفت: "حس تحقیر شدن بهم دست میداد بعد خودم حس کنه بودن لجن بودن داشتم. حس می‌کردم چقدر آدم میتونه پست باشه و چقدر من هستم". مصاحبه شونده شماره ۷ مطرح کرد که حس عذاب وجدان و گناه در طول رابطه بخصوص زمان‌هایی که همسر فرد مقابل تماس داشته، از احساسات بد او در رابطه بود: "عذاب وجدان نسبت به خانمی که من تو ماشین این آدم نشسته بودم و ایشون زنگ زد مثلا میگفت کجایی میگفت هیچی دارم میام فلان جا دارم خرید می‌کنم در حالی که با من بود و ما دستمون تو دست هم بود و من بارها این زن و تو ذهنم تصور می‌کردم .."

دغدغه‌ها

افراد سوم از نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی در حین رابطه صحبت می‌کردند که برخی از آنها به زمان حضور در رابطه مربوط می‌شد و برخی دیگر مرتبط با آینده بود. مصاحبه شونده شماره ۲ نگرانی از قضاوت دیگران را از دغدغه‌های خود حین رابطه عنوان کرد: "انگار یه حسی که آدما اینو ببینن که تو با یه آدم متاهلی برام خیلی گنده و سنگین بود، این برام مهم بود که اون آدمه فهمید که من و تو در ارتباطیم حالا اون آدمه که مهم نیست ولی فکرش واسم مهمه. درباره قضاوتی که درباره خودم میشه انگار برام مهمه". مصاحبه شونده شماره ۹ بعد از ۷ سال رابطه با فرد متاهل از نگرانی خود برای آینده‌ی رابطه صحبت کرد: "یه جاهایی احساس می‌کردم نکنه مورد سوءاستفاده ام. نکنه مثال از یه جایی به بعد بگه خب ببین من دیگه زندگییم خوب شد دیگه تورو نمیخوام. اینا چیزاییه که خیلی وقتا مثال شب میرفتیم خون‌یه لحظه میگفتیم اگه فردا زنگ بزنه بگه خب دیگه نمیخوام دیگه تمومش کنیم چی؟"

تناقضات

در بطن رابطه، تناقضاتی تجربه شده که افراد سوم به دو صورت احساسات متضاد و رفتارهای متضاد توصیف کردند. مصاحبه شونده شماره ۱۱ از بودن در رابطه‌ای صحبت کرد که مال او نبود: "اسم اون زن که میومد من حالم بد می‌شد ولی خب از طرفی هم امکان بروز نداشتم چون میگفتم من وضعیتم مشخصه اونم وضعیتم مشخصه مثل این که اون بیاد بگه چرا جواب فلانی و میدی خب ما بخش عمده‌ی زندگیمون اونه نه این. اینی که الان هست. اون رابطه قبلی ست". مصاحبه شونده شماره ۴ نیز بیان می‌کرد که زمان‌های با هم بودن، هم لذت و هم وحشت همراه هم بود: "از نظر من خیلی تجربه‌ی بدی بود. خیلی تجربه بدی بود. نیازهای عاطفی من تو همون اولین ارتباط اصلا برآورده نشد. از بس که اضطراب و استرس و هول و ولا و حس گناه و همه چیزیی توش قاطی بود"

سختی‌ها

سختی‌های رابطه بنا به توصیف افراد سوم، به دلیل مخفی بودن رابطه ایجاد می‌شد. مخفی‌کاری‌ها و محدودیت‌هایی که برای ارتباط با فرد مقابل داشتند از جمله سختی‌های بیان شده در این روابط بود. مصاحبه شونده شماره ۹ سختی رابطه را زمان‌هایی مطرح کرد که نیاز به فرد مقابل داشته ولی حضور او امکان پذیر

نبوده است: "سختیای خودش و داره. خیلی جاها به اون طرف نیاز داری واقعا نیاز داری ولی نیست. مثلا من یه دوره‌ای مشکوک بودم به سرطان سینه وقتی دکتر میرفتم خیلی دوست داشتم که بیاد ولی مجبور بودم خواهرم و.. مجبور بودم که خب خواهرم زحمت میکشید با من میومد ولی از نظر روحی بهم ریخته بودم ترجیح میدادم که مثلا اگه متاهلم همسرم باهام بیاد". مصاحبه شونده شماره ۴ رفتارهای مخفیانه در رابطه را سختی این ارتباط مطرح کرد: "نه هیچ چیزش خوب نبود و اصلا این دزدکی رفتار کردن و دزدکی بیرون رفتن و دزدکی رستوران نشستن و .. خیلی واقعا عذابه. انگار که تو تمام مدت یه مجرمی یه متخلفی. اصن اصن هیچ چیز خوبی توش نیست"

تلخی‌ها

مجموعه‌ای از اتفاقاتی که در رابطه پیش آمده بود، رابطه را به کام افراد سوم تلخ می‌کرد. این تلخی‌ها گاهی بیرون از رابطه بوده، دسته‌ای از آنها به رابطه‌ی بین فرد سوم و فرد متاهل مرتبط می‌شده، گونه‌ای دیگر به ناخوشایندی رابطه ربط داشت و موارد دیگری نیز به درون فرد سوم مربوط می‌شد. مصاحبه شونده شماره ۹ که رابطه‌ی چند ساله با فرد متاهل داشت، این که ادامه دادن این رابطه با سختی‌هایش برای دیگران پذیرفته نبود را از تلخی‌های ارتباط بیان کرد: "فقط با درمانگر حرف زدم. چون فکر می‌کنم من به هر کسی که بگم هیچکس نمیپذیره هیچکس اون روزایی و که گذشته چه به ایشون چه به من و ندیده". مصاحبه شونده شماره ۶ حس موقتی بودن در طی رابطه را تلخی این ارتباط می‌دانست: "حس این که احساس می‌کنم موقت می‌خوان... همه جوهره واسه یه دوره‌ی کوتاه تورو بخوان.. خب خیلی برام سخت بودش". مصاحبه شونده شماره ۱ از قابل اعتماد نبودن فرد مقابل به دلیل خیانت به همسرش گفت: "ولی من یه چیزی و فهمیدم. وقتی که یه آدم یعنی اینو من واقعا با پوست و گوشت و استخونم حس کردم وقتی یه آدم یه نفر و بخاطر اینکه یه نفر بهتر پیدا کرده میذاره زیر پاش قطعاً اگه از تو هم بهتر پیدا کنه تو رم میذاره زیر پاش ... آره ...". مصاحبه شونده شماره ۸ رابطه را ناخوشایند می‌دانست چون رابطه‌ی یک زوج را تخریب می‌کرد: "تو ازدواج همه میدونن اون تعهده هست کی نمیدونه پس من دارم میرم تو یه تعهد خدشه ایجاد می‌کنم".

۲- عوامل تداوم بخش

با وجود ناملايمات و تلخی‌های تجربه شده در رابطه، عواملی نیز وجود داشت که باعث تداوم این ارتباط می‌شد. عوامل تداوم بخش رابطه به گفته‌ی افراد سوم به ۴ بخش شیرینی‌های رابطه، سازشکاری، توجیهات و حمایت‌های فرد سوم تقسیم می‌شود.

شیرینی‌ها

جنبه‌های مثبت ارتباط با فرد متاهل خود باعث تداوم این رابطه از دید افراد سوم بود. عواملی که خوب بودن رابطه را گزارش می‌کردند، حال خوب را نشان میدادند و یا گویای تغییرات مثبت برای فرد سوم یا فرد متاهل بودند. مصاحبه شونده شماره ۵ دریافت حمایت عاطفی از جانب فرد مقابل را دلیلی بر ادامه‌دادن به رابطه با او می‌دانست: "اون حمایت عاطفیه باعث شد من توی رابطه بمونم". مصاحبه شونده شماره ۶ از احساس اهمیتی

که در رابطه می‌کرد صحبت کرد: "کافی من بگم من همچین آرزویی دارم به همچین چیزی و دوست دارم به همچین چیزی و می‌خوام.. در اولین فرصت اون اتفاق میفت‌ه یا پیگیر اون مسئله میشه حتما مثلا ... دنبال این باشه که من به آرزو هام و رویا هام برسم..." مصاحبه شونده شماره ۱۱ حس برنده بودن نسبت به همسر فرد مقابل را حال خوب خود در رابطه توصیف کرد: "راستشو بخوای اون اوایل خیلی حس پیروزی داشتم حس این که... خب چون اون دائم از من تعریف می‌کرد و من و با اون مقایسه می‌کرد... آره اون اینجوری بود ولی تو اینجوری‌ای. تو مثلا لباس پوشیدنت اینجوریه ولی اون اصلا به سر و وضعش نمی‌رسید. و این خیلی حس برتری به من می‌داد." مصاحبه شونده شماره ۱ پیشرفت خود را ناشی از تجربه‌ی این رابطه می‌دانست: "میدونی نباید آدم از حق بگذره. اگه شاید این آدم وارد زندگی من نمی‌شد هیچوقت به این فکر نمی‌کردم که این هدف قشنگی و که الان دارم بخوام دنبالش کنم یعنی سر همین قضیه میتونم تا آخر عمرم ازش ممنون باشم".

سازشکاری

با وجود شیرینی‌های رابطه، برای مقابله با ناملایمات و ادامه دادن ارتباط، افراد سوم از روش‌هایی استفاده می‌کردند تا ساده‌تر بتوانند بدی‌های ذکر شده را پشت سر گذاشته و به رابطه تداوم بخشند. مصاحبه شونده شماره ۹ می‌گفت که پذیرفتن شرایط و محدودیت‌های رابطه، ادامه دادن را برایش آسان‌تر می‌کرد: "من چون که از اول اصلا تصورم این نبوده که من با این رابطه به یه زندگی متاهلی می‌رسم. هیچوقت به این فکر، نمیگم هیچوقت به این فکر نکردم، خیلی وقتا اون آرزوهایی که دارم و داشتم. مثال این که دوست داشتم یه زندگی مشترک داشته باشیم، مسافرت مشترک بریم. من کلا به شخصه از اول پذیرفتم که همه‌ی این مسائل هست". مصاحبه شونده شماره ۱ فکر نکردن به آینده و پیشایندهای تلخ در رابطه را راهی برای آسان‌تر ادامه دادن عنوان کرد: "خیلی اذیت می‌شدم از این که همش اینجوری بودم.. یعنی انقد دیگه زدمش به بی خیالی دیگه آخرش".

توجیهات

طی مصاحبه‌های انجام شده با افراد سوم، دلایلی از جانب آنان مطرح شد که باعث تسهیل ادامه دادن به رابطه با فرد متاهل می‌شد. این توجیهات دلایل فکری یا رفتاری‌ای را شامل می‌شد که به گفته‌ی افراد سوم منجر به تسکین احساس گناه ناشی از زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی خود بود. برای مثال، مصاحبه شونده شماره ۳ استفاده از صیغه را در رابطه با فرد متاهل یک توجیه رفتاری دانست یا مصاحبه شونده شماره ۲ رابطه‌ی خود با فرد متاهل را حاصل بی‌کفایتی همسر او می‌دانست که یک توجیه فکری بود: "باز اینجوری بودم که همسرش مرد بود زندگیشو جمع می‌کرد. یا این شکلی بودم که خب میخواستی این آدمه رو بشنوی که الان اینطوری نشه انگار تقصیرارو از چشم همسرش میدیدم". مصاحبه شونده‌ی دیگری هم با این دیدگاه که همسر فرد مقابل از این ارتباط مطلع است، رابطه را ادامه می‌داد: "میدونست کاملا که مردی که تو خونه غذا نمیخوره مردی که اتاق خوابش جداست مردی که فقط برای خوابیدن یا دوش گرفتن میاد خونه و میره خب حتما یکی کنارش هست".

حمایت‌های فرد سوم

همراهی و حمایت فرد سوم از دیگر عوامل تداوم بخش رابطه با فرد متاهل بود. این حمایت‌ها گاهی مالی، گاهی عاطفی و در شرایطی فکری بود. مصاحبه شونده شماره ۲ از همدلی خود با فرد مقابل در مشکلات او حرف زد: "من واقعا نمیدونستم چیکار کنم فقط ساکت بودم که کنارش باشم که اگه قراره یه حجم غمی رو تجربه کنه خب من میفهمم و متاسفم". مصاحبه شونده شماره ۳ هم فکری با فرد متاهل برای حل مشکلات رابطه با همسرش را توضیح داد: "حرف میزدم بیشتر ازش می‌خواستم توضیح بده فکر کنه ببینه میشه درستش کرد. ولی خب اون کلا میگفت هیچی همیشه درست نمیشه".

۳- خواسته‌ها

از تجربیات دیگر افراد سوم، خواسته‌های این افراد در رابطه را در برمیگرفت. توصیفات افراد سوم از خواسته‌ها، مواردی را شامل می‌شد که خواستار آن در رابطه بودند یا گاهی عدم تمایل به انجام کاری را بیان می‌کرد. مصاحبه شونده شماره ۲ از تمایل نداشتن به برقراری رابطه‌ی جنسی با فرد مقابل گفت: "اون می‌خواست بیشتر پیش بره من اینو می‌فهمیدم و اجازه نمی‌دادم چون حس خوب نداشت اصلا برام." مصاحبه شونده شماره ۷ تمایل خود به مطلع شدن همسر فرد مقابل از رابطه‌ی فرد متاهل با او صحبت کرد: "تهدیدش کردم یه روز برام گل خریده بود منم خیلی خوشتیپ کرده بودم اینا سوار شدم گفتم که خب نظرت چیه به زنت بگیم.. هی این شوخی و باهاش کردم هی این شوخی و کردم." مصاحبه شونده شماره ۱۰ از تمایل خود به بهبود رابطه‌ی فرد متاهل و همسرش گفت: "می‌خواستم این اتفاق بیفته می‌خواستم به زندگی طبیعی‌ش برگردم این که الان ترکیه س چرا باید از خانوادش دور باشه چرا باید از دوتا بچه ش دور باشه اصلا چیزی نبود که من بخوام."

۴- اهداف

طی مصاحبه با افراد سوم، اهدافی که حین رابطه با فرد متاهل وجود داشته اعم از کوتاه‌مدت یا بلندمدت مالی یا عاطفی توضیح داده می‌شود. برخی از افرادی که تجربه‌ی رابطه با فرد متاهل را داشتند، طی مصاحبه از تمایل به داشتن رابطه‌ی کوتاه‌مدت با فرد مقابل صحبت کردند. این هدف از دید آنها یا به محدودیت‌های خانوادگی برای ازدواج با فردی که جدا شده مربوط می‌شد یا بیان کردند که فرد مقابل مرد زندگی آنها نیست. مثلاً مصاحبه شونده شماره ۱۱ گفت که فرد مقابل مطابق ملاک‌های او برای ازدواج نیست: "نه! بخاطر این که خیلی با من اختلاف سنی داشت. و من دائم نگران از دست دادن و داشتم. ضمن این که یسری اخلاقیات و شخصیت‌هایی هم که بعدا بهش رسیدم یسری اخلاقیاتی هم داشت که مورد پسند من واسه زندگی و ازدواج و اینا نبود دیگه".

۵- اتفاقات

بنا بر توصیف افراد سوم، اتفاقاتی در رابطه با فرد متاهل روی داده بود که خوب یا بد روی رابطه تاثیر گذاشته بود. برخی اتفاقات در تجربیات افراد سوم به خارج از رابطه‌ی او و فرد متاهل مربوط بود؛ همچون فهمیدن خانواده فرد متاهل، فهمیدن خانواده فرد سوم و ملاقات فرد سوم با فرد متاهل. رویدادهایی که درون رابطه با فرد متاهل افتاده بود و روی رابطه موثر بود به عنوان مثال مطرح شدن صیغه از جانب فرد مقابل. همانطور که

مصاحبه شونده شماره ۶ گفت به دلیل پیشنهاد صیغه از جانب فرد مقابل مدتی در ادامه دادن رابطه مردد شده بود. در آخر در تجربیات افراد سوم رویدادهایی مطرح شد که در رابطه‌ی فرد مقابل و همسر رخ داده بود و متاثر از ارتباط فرد سوم و فرد متاهل بود. در این راستا مصاحبه شونده شماره ۲ جدا شدن فرد مقابل از همسرش را مطرح کرد: "تو راه برگشت به من گفت که من دارم جدا میشم. بعد من دوباره اینطوری شدم که خاک تو سرت مثلا انقدر کنار این آدمه بودی که دیگه فهمید الان تو چی ای داره مثلا جدا میشه یا حتی نه این که فهمید من چی‌ام فهمید می‌تونه درک بشه داره از این آدمه جدا می‌شه. به هرصورت خودمو دلیل اون داستان می‌دیدم"

د) مضامین عمده‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی فرد سوم به هنگام اتمام رابطه

تجربه‌ی اتمام رابطه‌ی فرد سوم با فرد متاهل، به دلایل اتمام رابطه از جانب فرد سوم و فرد متاهل مرتبط می‌شد.

۱- دلایل اتمام رابطه

در طی کدگذاری مصاحبه‌ها، اتمام رابطه‌ی فرد سوم و فرد متاهل در بر گیرنده‌ی دلایلی بود که یا مرتبط به فرد متاهل بود یا تمایل فرد سوم به اتمام رابطه را نشان می‌داد.

اتمام رابطه از طرف فرد مقابل

گاهی رابطه از جانب فرد متاهل کمرنگ می‌شد و در نهایت اتمام یافته‌بود. مصاحبه شونده شماره ۱ علت اتمام رابطه از جانب فرد مقابل را بهتر بودن شرایط نفر بعدی توصیف کرد. مصاحبه شونده شماره ۷ دلیل اتمام رابطه با فرد متاهل را اطلاع خانواده‌ی او از حضور فرد سوم مطرح کرد.

تمایل فرد سوم به قطع رابطه

برخی رابطه‌ها طی مصاحبه‌های انجام شده، از جانب فرد سوم اتمام یافته بود. افراد سوم دلایلی را مطرح کردند که باعث تمایل آنها به اتمام رابطه شده بود. مصاحبه شونده شماره ۱ توجه ندیدن از فرد مقابل را دلیلی بر تصمیم به اتمام رابطه دانست: "حس می‌کردم داره بهم توجه نمی‌کنه." مصاحبه شونده شماره ۱۰ تمایل خود برای قطع رابطه با فرد متاهل را وجود رابطه‌ی جدیدش گفت: "حول و حوش آخر اسفند نزدیک عید بود و من خب دیگه رفته بودم یه جایی یه کیفی بخرم و با یه پسری دوست شدم بعد و مثلا با اون.. نمیدونم چرا با اونم دوست شدم... آره سعی کردم با اونم دوست بشم و شروع کردم به قطع کردن رابطه با این آدم"

ه) مضامین عمده در تجربه‌ی زیسته‌ی فرد سوم بعد از اتمام رابطه

بنا بر توصیفات افراد سوم، با وجود اتمام رابطه اثرات ارتباط در زمینه‌های مختلف با افراد سوم همراه بود. بعد از رابطه به طور کلی ۳ مضمون اصلی را در برمی‌گرفت. رد پای رابطه در زندگی افراد سوم، دست آوردهایی که از این تجربه داشتند و دغدغه‌ی بخشیدن یا نبخشیدن از مضامین اصلی بعد از رابطه با فرد متاهل بود.

۱- رد پای رابطه

حضور این رابطه در زندگی افراد سوم موجب شده بود تا در زندگی شخصی خود، در روابط بعدی و در نگرش آنها به مسائل، رد پای رابطه مشاهده شود.

هزینه‌ها

تجربه‌ی این رابطه به گفته‌ی افراد سوم هزینه‌هایی را برای آنها در بر داشته که ناراحتی‌های درونی به شمار می‌روند. مصاحبه شونده شماره ۳ از پیامدهای رابطه، از دست دادن عزت‌نفس و خودباوری را بیان کرد: "الان میفهمم هیچ چیز بخاطر من نبوده یعنی نه کرامتی برام مونده بوده نه ارزشمندی‌ای نه عزت نفسی نه خودباوری‌ای هیچی. هرچی از این صفات مثبت بگی هیچی برام نمونده بود." مصاحبه شونده شماره ۱ بهم‌ریختگی ذهنی خود را از تبعات رابطه قلمداد کرد: "من هنوز که هنوز خوابای خیلی بد میبینم و از خواب پامیشم یعنی ناخودآگاهم سرشار از این دغدغه و درگیر یاس همین الانش. ذهنم آرام نیست" مصاحبه شونده شماره ۷ گفت که رابطه با مادرش به دلیل این ارتباط خدشه دار شده بود: "هرگز از اون شب تا به امروز، رابطه‌ی مادر من با من خوب، نشد که نشد که نشد"

حس‌های منفی

حس‌های منفی نه تنها در حین رابطه وجود داشت، برخی از آنها به بعد از رابطه هم می‌کشید. مصاحبه شونده شماره ۴ پشیمانی را از حس‌های بد بعد از رابطه دانست: "با یک دنیا پشیمونی با یک دنیا ندامت". مصاحبه شونده شماره ۳ تداوم احساس ارزشمند نبودن را حتی در بعد از ازدواج و در رابطه با همسرش عنوان کرد: "هنوزم این حسارو دارما ببین من هنوزم احساس این که ارزشمند نیستم و دارم. حتی بعضی وقتا که مثلا همسرم چیزی میگه یا کوچکتین... ببین مثلا به حرف خیلی خیلی کوچیک میزنه من این حرف و اینجوری تعبیر می‌کنم که اونم میخواد الان من و تحقیر کنه و بعد به واکنش گنده به دعوی بزرگ به قهر بینمون پیش میاد. و .. خب ما دوره عقدمون کم بود بعد از عروسی که بیشتر با هم هستیم دعواهامون داره رو میشه و همین مشکل و داریم. مثلا میتونم بگم ۷ ورز هفته ۸ روزشو داریم سر این چیزا دعوا می‌کنیم (مکث) تاثیراش هست و ولم نمی‌کنه". مصاحبه شونده شماره ۱۱ احساس گناه را حتی بعد از رابطه مطرح کرد: "خیلی فشار روحی به آدم وارد می‌کنه. حس گناه و عذاب وجدانش واقعا نمی‌ارزه". مصاحبه شونده شماره ۱۰ نگرانی از تقاص پس دادن بابت این رابطه را عنوان کرد: "آه اون زن پشت من می‌مونه .."

روابط بعدی

از جمله دیگر پیامدهای توصیف شده برای رابطه با فرد متاهل، حضور ردپای آن در روابط بعدی افراد سوم بود. مصاحبه شونده شماره ۷ توضیح داد که بعد از اتمام رابطه‌اش با فرد متاهل درگیر روابط پر خطر با مردان دیگر می‌شد: "همچنان این عقده تو من بود و این عقده باعث شدش که من دست به کارای خطرناکی بزنم. من با مردایی که با پسرای که اصلا نمی‌شناختم همون شب وارد رابطه جنسی می‌شدم من انقدر حالم بد شده بود حالا ماجرا داره من اصلا خیلی کارای وحشتناکی کردم". مصاحبه شونده شماره ۸ اعتماد به مردان را سخت‌تر از گذشته می‌دانست: "هر مردی قابل باوره که داره اینکارو میکنه الان دانش من این و میگه" و مصاحبه شونده شماره ۴ تصمیمش در مورد ازدواج نکردن را ردپای رابطه با فرد متاهل عنوان کرد: "اصلا روی این که من برای ازدواجم تصمیم بگیرم بسیار تاثیر گذاشت. بسیار تاثیرگذار بود. یعنی من تازه متوجه شدم که داره تو اجتماع چی میگذره. چون کنجکاو شده بودم پس از اون و خیلی سرک می‌کشیدم تو روابط زناشویی، توی روابط زناشویی هرکسی که دور و برم بود و می‌خواستم درجه‌ی رضایتمندیشو کشف کنم اون چیز واقعی نه

اون چیزی که نمود داره تو اجتماع و بعد میدیدم خدای من چه فاجعه‌هاییه. یعنی همه زیر یک سقف اما جدای از هم و این که اصلا شاید تصمیم گرفتم که ازدواج نکنم شاید علتش همین بود. استارتش اینجا زده شد "

نگرش‌ها

نگرش افراد سوم به رابطه‌ی زوجی و خیانت نیز تحت تاثیر رابطه با فرد متاهل قرار گرفت. مصاحبه شونده شماره ۱ علت رخداد خیانت در یک رابطه‌ی زوجی را توجه نکردن به نیازهای زوجین عنوان کرد: "هیچوقت یه زن و مرد صادقانه نمیشین حرفاشونو با هم تو زندگیشون بزنی که ببینن کی چی میخواد حالا چه قبل از ازدواج چه حین ازدواج و باعث همین خیانتا میشه ". مصاحبه شونده شماره ۶ مناسب نبودن دو نفر برای ازدواج با هم را دلیلی بر خیانت زوجین قلمداد کرد: "من فکر می‌کنم یه کم ازدواج‌های هول هولکی متاسفانه تو فرهنگ ما ازدواج‌های هول هولکی خیلی باعث این مسائل میشه... "

۲- دست‌آوردها

با وجود تمام تجربیات تلخی که مطرح شد، افراد سوم دست‌آوردهایی نیز از رابطه با فرد متاهل داشتند. تکرار نکردن این تجربه از دست‌آوردهایی بود که افراد سوم بیان کردند. برای مثال مصاحبه شونده شماره ۷ تمایل نداشتن به تکرار این تجربه را اینگونه توصیف کرد: "اگر به من بگین که بهترین مرد دنیا بیاد و همسری داشته باشه تو وارد رابطه باهاش میشی من بهتون میگم هرگز. .. من هرگز نفر دوم هیچ رابطه‌ای نخواهم بود ". مصاحبه شونده شماره ۵ دست‌آورد این تجربه را یاد گرفتن در مورد رابطه‌ی متاهلی عنوان کرد: "واقعیتش چیزی من یاد گرفتم بیشتر رابطه‌ی متاهلی رو یاد گرفتم رابطه‌ی متاهلی باید چجوری باشه. " مصاحبه شونده شماره ۹ تلاش برای قضاوت نکردن دیگران را ثمره‌ی این تجربه می‌دانست: "من الان بعد از این اتفاقا یاد گرفتم هیچکسی رو قضاوت نکنم، شاید اگه خودم بودم یه موقعی میدیدم یه خانمی مجرده یا نه متاهله با یه آقای دیگه‌ای در ارتباطه، یه طرف متاهله، شاید احساس خوبی بهشون نداشتم. اما الان یاد گرفتم که من نمیدونم اون آدمای چی تو زندگیشون گذشته. شاید این بهترین کاریه که می‌تونن انجام بدن. "

۳- بخشش

بخشیدن یا نبخشیدن فرد متاهل از دیگر درگیری‌های افراد سوم بعد از اتمام رابطه بود. مصاحبه شونده شماره ۱ در این مورد گفت: "هنوز نمیدونم که میتونه دلم صاف بشه باهاش تا ابد سر این قضیه و این کاری که کرد یانه " و مصاحبه شونده شماره ۶ نیز از بخشش و گذشت صحبت کرد: "خودم قلبا نه میگم هنوزم میگم هیچ دلخوری ای ازش ندارم هیچ مشکلی هم باهاش ندارم کار درست و انجام داده "

بحث و نتیجه‌گیری

بنا بر توصیف افراد سوم از تجربه‌ی این روابط، ۱۴ مضمون اصلی در ۵ مرحله‌ی زمانی-پیش از رابطه، همزمان با شروع رابطه، حین رابطه، اتمام رابطه و بعد از رابطه- به دست آمد. مشارکت‌کنندگان در مصاحبه تجربیاتی را از روابط قبلی خود بیان می‌کردند که یا روابط زیاد و متعدد با جنس مخالف را می‌گفت، یا از نداشتن رابطه با جنس مخالف و ناپختگی‌های فردی در این مورد صحبت می‌کرد. وجود روابط متعدد و متنوع و ناپایداری این روابط پذیرش رابطه با تعهد کمتر را تسهیل می‌نمود. همان‌طور که اشمیت و باس (۲۰۰۱) نیز به بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و رابطه با فرد متاهل پرداخته‌اند، افرادی که روابط جنسی متعدده‌ای نداشتند

بیشتر احتمال داشت که درگیر رابطه با فرد متاهل شوند. کاوش در تاریخچه‌ی روابط افراد سوم نشان داد که برخی از آنها در روابط خود کمتر متعهد بودند و بیشتر تنوع در روابط را جستجو می‌کردند. در حالی که گروهی دیگر از رابطه‌ی کم و محدود با جنس مخالف صحبت کردند. کمبود روابط گذشته از جمله مسائل مهم افراد سوم توصیف شد که در پژوهش‌های پیشین به آن اشاره نشده بود.

از دیگر مسائل مهم در تاریخچه‌ی افراد سوم، وجود آسیب یا آشفتگی‌هایی بود که آنها را برای پذیرش رابطه‌ی این چینی آماده می‌ساخت. براون^{۱۶} (۲۰۰۱) نیز از تاثیر آشفتگی‌های گذشته‌ی فرد سوم در تجربه‌ی این روابط صحبت کرده است. او بر اساس مشاهدات بالینی بیان می‌کند که زنان مجردی که تجربه‌ی رابطه با مردان متاهل را داشتند اغلب آسیب‌هایی را در گذشته تجربه کرده بودند که این تجارب آنها را به سمت انتخاب این نوع رابطه سوق داده بود. همچنین براون مفصل‌تر بیان می‌کند که نوع آسیب وارد شده به فرد در گذشته، او را در انتخاب هدف رابطه و مدت زمانی که تمایل به حضور در رابطه دارد راهنمایی می‌کند به گونه‌ای که افرادی که در کودکی مورد تعرض قرار گرفته بودند تمایل به داشتن روابط جنسی کوتاه‌مدت داشتند (براون، ۲۰۰۱). این مورد تاییدی بر یافته‌های حاصل از مصاحبه با افراد سوم نیز بود.

افراد سوم در طی مصاحبه، از وجود چارچوب‌های اخلاقی صحبت کردند که قبل از انتخاب این تجربه نیز آنها را همراهی می‌کرده است. در حالی که پژوهشی که در زمینه‌ی اخلاقیات و رابطه با فرد متاهل در کالیفرنیا انجام شده است، بیان می‌کند که غیر اخلاقی دانستن رابطه با فرد متاهل برای افراد زمانی مطرح می‌شد که شریک عاطفی یا همسر آنها توسط فرد سومی از آنان جدا می‌شد، حال آن‌که اگر این اتفاق برای خود افراد می‌افتاد آن را غیر اخلاقی نمی‌دانستند (ونگ^{۱۷}، ۲۰۱۶). بنابراین می‌توان گفت که این مسئله تابع فرهنگ و هنجارهای اجتماعی بوده و با نتایج پژوهش مذکور همخوانی ندارد.

به هنگام شروع رابطه، مضامینی همچون مسیر آشنایی، تجربه‌ی غیر منتظره و انتخاب آگاهانه چرایی شروع رابطه را پاسخ میدادند. افراد سوم مسیری را تعریف کردند که برای شروع رابطه‌شان با فرد مقابل طی شده بود. آنها از شناخت فرد مقابل پیش از شروع رابطه سخن گفتند، این آشنایی علاوه بر نقش داشتن در شروع این رابطه، باعث تداوم پیدا کردن ارتباط نیز می‌شد. ماگیلسکی و وید^{۱۸} (۲۰۱۳) نیز در همین راستا بیان کردند که آشنایی و دوستی قبلی بین فرد سوم و فرد متاهل امکان شروع رابطه را نسبت به افرادی که آشنایی قبلی با فرد متاهل نداشتند بیشتر می‌کرد. همچنین در شرایطی که آشنایی قبلی وجود داشت احتمال رابطه‌ی بلندمدت بیشتر بود. با این وجود، متاهل بودن فرد مقابل برای فرد سوم در شروع رابطه مانعی بود که منجر به رد پیشنهاد اولیه‌ی رابطه از جانب فرد متاهل می‌شد. غیرمنتظره بودن این تجربه گفته‌ی اشمیت و باس (۲۰۰۱) مبنی بر شکل‌دهی ناآگاهانه‌ی رابطه با فرد متاهل از جانب فرد سوم را تایید می‌کند.

در نهایت انتخابی آگاهانه باعث شکل‌گیری این رابطه شده بود. این انتخاب حاصل جذابیت‌ها، عوامل تسهیل‌گر و دلایل افراد برای شروع رابطه بود. در پژوهشی که برای بررسی علل خیانت انجام شده بود، وجود مشکلاتی در رابطه‌ی همسران را مرتبط با خیانت یکی از آنها توصیف کرد (حبیبی عسگرآباد و حیدری، ۱۳۹۴). پژوهش حاضر نشان داد که نه فقط این موضوع پیش‌بینی‌کننده‌ی خیانت همسران است، بلکه در پذیرش رابطه برای فرد سوم هم مهم است. همچنین مسائل فرد متاهل و پیگیری‌هایش برای داشتن رابطه با فرد سوم، نیاز به

دوست‌داشتنی بودن، مهم بودن و توجه‌ای که این افراد در شرایط شروع رابطه داشتند را ارضا می‌کرد. علاوه بر این‌ها، افراد سوم نیز شرایط و ویژگی‌های خود را برای ورود به رابطه قانع‌کننده می‌دانستند. مثلاً افرادی گفتند که در نه گفتن و مقاومت در برابر فرد مقابل ناتوان بودند و در مقابل، تعدادی دیگر پذیرش یک رابطه با این شرایط را هیجان‌انگیز یا حتی لذت بخش می‌دیدند چرا که احساس قدرت، کنترل و خود بزرگ‌بینی‌شان در این ارتباط ارضا می‌شد. همان‌طور که برنل و همکاران^{۱۹} (۲۰۱۸) نیز رابطه‌ی بین ویژگی‌های خود بزرگ‌بینی و پذیرش این نوع رابطه را تایید می‌کنند.

در پژوهشی دیگر که به بررسی سود و زیان‌های رابطه برای افراد سوم پرداخته بود، بدی‌های رابطه را ترس از خیانت دیدن و به خصوص در زنان افراد سوم احساس پست بودن و هیجانات منفی مطرح کرد (اشمیت و باس، ۲۰۰۱). توصیفات افراد سوم سختی‌های ارتباطی و مخفی‌کاری رابطه را نیز در برمی‌گرفت. یکی از افراد، رابطه را بد و ناخوشایند توصیف می‌کرد چرا که همه‌ی رفتارها مخفیانه و "دزدکی" بود و این حس "مجرم بودن" به فرد القا می‌کرد یا دیگری از سختی نبودن فرد مقابل در زمان‌هایی که فرد سوم نیاز به حضور او داشته صحبت می‌کرد. علاوه بر سختی‌ها، تلخی‌های رابطه هم کم نبود. این تلخی‌ها یا به مسائل درون رابطه برمی‌گشت یا فشار و قضاوت دیگران را بیان می‌کرد و یا از حس نادیده گرفته‌شدن و مهم نبودن می‌گفت. پژوهش‌های انجام شده نیز در مورد کیفیت پایین‌تر روابط افراد سوم با افراد متاهل صحبت کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش‌ها بیان می‌کند که در روابط مذکور رضایت کمتر از رابطه، رضایت جنسی کم، حسادت بیشتر و اعتماد پایین، کیفیت رابطه را پایین برآورد می‌کند (فاستر و همکاران^{۲۰}، ۲۰۱۴؛ بلو و سالیوان^{۲۱}، ۲۰۱۹). در پژوهش حاضر مضمون "رابطه‌ی ناخوشایند" در راستای یافته‌های این پژوهش‌ها است.

در کنار ناملایمات رابطه، وجود عواملی منجر به ادامه‌ی رابطه می‌شد. دریافت حمایت و توجه کافی و احساس مهم بودن در رابطه از شیرینی‌های این ارتباط برای افراد سوم بود که اشمیت و باس (۲۰۰۱) نیز این یافته را تایید می‌کنند. در مطالعه‌ی آنان، کسب حمایت، از مزایای رابطه با فرد متاهل برای افراد سوم زن بود (اشمیت و باس، ۲۰۰۱). از طرفی دیگر افراد سوم برای دور شدن از دغدغه‌های حال و آینده از روش‌هایی همچون فکر نکردن و انکار نگرانی‌های خود و یا انکار وجود همسر فرد مقابل استفاده می‌کردند. سازش‌کاری‌ها توضیح می‌دهند که چطور با وجود شرایط سخت رابطه، افراد سوم می‌توانستند به ارتباط خود ادامه دهند. برخی از آنها با نپرسیدن و نشنیدن در مورد رابطه‌ی فرد مقابل و همسر سعی در نپذیرفتن شرایط رابطه داشتند حال آن‌که برخی دیگر با پذیرش این رابطه همان‌طور که بود آن را ادامه می‌دادند. افرادی که شرایط رابطه را پذیرفته بودند رابطه‌ی طولانی‌مدت‌تری با فرد متاهل داشتند و شیرینی‌های توصیف شده توسط آنان بیشتر از تلخی‌هایش بود. همچنین در کنار سازش‌کاری‌ها، افراد سوم توجیهات فکری و رفتاری را برای مقابله با تناقضات و احساسات بد خود به کار می‌بردند. این توجیهات ممکن بود از مقصر و بی‌کفایت دانستن همسر فرد مقابل تا عادلانه بودن رفتار فرد متاهل بین او و همسرش را شامل شود. برخی از آنان به رایج بودن این گونه روابط در جامعه اشاره می‌کردند تا احساس گناه ناشی از عبور کردن از خط قرمزها را تسکین دهند و برخی دیگر می‌گفتند که آنها به کسی خیانت نمی‌کنند و بار این مسئولیت بر گردن فرد متاهل است. افرادی نیز از سیغه به عنوان توجیهی رفتاری به منظور کاهش احساسات بد خود استفاده می‌کردند. این توجیهات در تداوم این

روابط از جانب افراد سوم، تاثیر بسزایی داشت. افراد متاهل نیز به دلیل حمایت‌هایی که فرد سوم در رابطه داشت، خواهان ادامه دادن این ارتباط بودند. به توصیف افراد سوم، تلاش کردن آنها برای حل مشکلات رابطه و تمایل به حفظ ارتباط، حمایت‌های مالی آنها از فرد متاهل در شرایط نابسامان بودن وضعیت اقتصادی افراد و در کنار همه، حمایت عاطفی فرد متاهل که از همسر خود دریافت نمی‌کرد، افراد متاهل را خواستار ادامه‌ی رابطه با آنها می‌کرد.

مصاحبه با افراد سوم، خواسته‌ها و انتظارات آنها را در طی رابطه مشخص کرد. بخشی از این خواسته‌ها به تمایل آنها برای داشتن یا رسیدن به چیزی صحبت می‌کرد و بخشی دیگر از نخواستن گفتند. با این که هدف پژوهش حاضر بررسی صفات یا اختلالات شخصیت در افراد نبود اما همسو با یافته‌ی سنتیفنتی و همکاران^{۲۲} (۲۰۱۶) در این مورد است که برخی افراد به دلیل حساسیت به طرد بالا و نیاز داشتن به رابطه‌ی عاطفی، نقش فرد سوم را با وجود حضور برای ارضای نیازهای جنسی فرد مقابل می‌پذیرند و در مقابل افرادی برای ارضای نیازهای جسمی و جنسی خود رابطه را طلب می‌کنند. در پژوهش حاضر نیز در مقابل این گروه، گروهی دیگر بودند که خود خواستار و پیشنهاد دهنده‌ی رابطه‌ی جنسی با فرد متاهل بودند. این افراد برای ارضای نیاز جنسی خود وارد رابطه شده بودند و حتی گاهی انحصار طلبی فرد سوم در ارضای نیاز جنسی رابطه را دچار مشکل می‌کرد. از سوی دیگر بر خلاف یافته‌ی اشمیت و باس^{۲۰۱} (۲۰۰۱) که بیان می‌کرد افراد سوم زن برای منفعت مالی وارد رابطه با مردان متاهل می‌شدند، یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که بیشتر افراد سوم انتظار مالی‌ای از فرد متاهل نداشتند و حمایت مالی از جانب آنها دریافت نکردند.

از جمله نتایج جالب توجه این پژوهش، تمایل افراد سوم به بهبود رابطه‌ی فرد مقابل و همسر بود. بیشتر آنها تمایلی به جدایی فرد متاهل نداشتند و گاهی او را برای پیش‌برد بهتر زندگی زناشویی‌اش راهنمایی می‌کردند. این افراد تمایلی به رابطه‌ی بلندمدت و ازدواج با فرد مقابل نداشتند در حالی که عده‌ای دیگر می‌گفتند که خواهان ازدواج با فرد متاهل بعد از جدایی او هستند و یا تمایل به همسر دوم شدن یا ازدواج با فرد متاهل بدون جدا شدن او از همسر فعلی دارند.

اهداف افراد سوم با دلایل آنها برای ورود به رابطه و حضور یا عدم حضورشان در ارتباط به هنگام مصاحبه، متناسب بود. باس^{۲۰۶} (۲۰۰۶) این گفته را تایید می‌کند که زنان فرد سوم با وجود زبان‌هایی که این روابط برای آنان در پی دارد، اگر با هدف مشخصی وارد رابطه شده باشند به دلیل سودی که از ارضای آن نیاز دریافت می‌کنند زبان‌های رابطه را نادیده می‌گیرند و ارتباطشان را با هدف کوتاه‌مدت ادامه می‌دهند (باس، ۲۰۰۶).

آخرین مضمون اصلی تجربه‌ی فرد سوم حین رابطه، رویدادها و اتفاقاتی بودند که چه درون رابطه، چه خارج از رابطه و چه بین فرد متاهل و همسرش می‌افتادند ولی به گونه‌ای به فرد سوم و رابطه‌اش با فرد متاهل مرتبط بود و بر این ارتباط تاثیر می‌گذاشت. از اتفاقاتی که بعد از شکل‌گیری رابطه افتاده بود، آگاهی فرد سوم از تاهل فرد مقابل بود چرا که در ابتدای آشنایی و رابطه این موضوع از دید فرد سوم مخفی شده بود و فرد متاهل خود را مجرد معرفی کرده بود. فرد سوم اذعان داشت که بعد از آگاهی از تاهل فرد مقابل شوکه شده و مدتی در مورد ارتباط مردد و خشمگین بوده ولی در نهایت تصمیم به ادامه‌ی رابطه گرفته بود. این یافته موید نتیجه‌ی پژوهشی بود که بیان می‌کرد بیشتر افراد سوم قبل از رابطه از تاهل فرد مقابل آگاهی دارند ولی عده‌ی کمتری

که از این موضوع به دلیل مخفی‌کاری یا دروغ‌گویی فرد متاهل آگاه نشده‌اند هم بیشتر آنها بعد از مطلع شدن رابطه را قطع نمی‌کنند (دیویس، شکلفورد و هاس^{۲۳}، ۲۰۰۷). به علاوه، مطرح شدن صیغه در برخی از روابط خود باعث ایجاد تنش در رابطه برای مدتی شده بود چرا که نگرش منفی به صیغه، روابط موقتی و کوتاه‌مدت را تداعی می‌کرد و پذیرفتن این گونه روابط برای برخی از افراد سوم که خواستار رابطه‌ی بلندمدت بودند، آسان نبود. تمامی اتفاقات روی داده شده در رابطه، موجب ایجاد تنش و بحث در ارتباط شده بود و شیرینی‌های رابطه را مدتی تحت تاثیر خود قرار داده بود.

دلایل اتمام رابطه از جانب فرد سوم و فرد متاهل به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شد. گاهی رابطه با تمایل فرد سوم به اتمام رسیده بود و در شرایطی فرد متاهل رابطه را خاتمه داده بود. برخی افراد سوم به دلیل کم شدن تب و تاب اولیه‌ی رابطه، کاهش تعاملات و مواجه شدن با رفتارهایی از فرد مقابل که مورد پسندشان نبود، تصمیم به پایان دادن به این رابطه گرفته بودند. برخی دیگر وارد رابطه‌ی جدیدی شده بودند که به توصیف خودشان منطقی‌تر و سالم‌تر می‌نمود و دیگر تمایلی به ادامه دادن با فردی که متاهل باشد، نداشتند. تعدادی از آنها هم که به دلیل دریافت حمایت عاطفی، مالی و یا تسکین آشفتگی‌های خود وارد رابطه با فرد مقابل شده بودند، به دلیل دریافت نکردن آنچه از رابطه می‌خواستند بعد از مدتی تمایلشان را به ادامه دادن به رابطه از دست داده و خواستار اتمام آن شدند. در مقابل افرادی هم بودند که فرد متاهل رابطه‌ی خود را با آنان به پایان رسانده بود در حالی که افراد سوم می‌خواستند رابطه را ادامه دهند. در این شرایط فهمیدن خانواده‌ی فرد متاهل از دلایل اتمام رابطه از جانب او بود. همچنین فرد سوم دیگری می‌گفت که احتمالاً فرد متاهل رابطه‌ی جدیدی را شروع کرده است و تمایل به ادامه دادن با فرد سوم ندارد. با این همه، بعضی افراد سوم به هنگام مصاحبه در رابطه‌ی چندساله با فرد متاهل حضور داشتند و تمایل به ادامه دادن رابطه با هدف ازدواج یا داشتن رابطه‌ی طولانی‌مدت بدون ازدواج داشتند. افرادی که به رابطه پایان داده بودند از اثرات آن در زندگی‌شان می‌گفتند. تأثیراتی که مدت‌ها بعد از رابطه نیز آنها را همراهی می‌کرد. ردپای رابطه، دست‌آوردهایی که از این تجربه داشتند و بخشش از مضامین اصلی تجربه‌ی فرد سوم بعد از رابطه بود.

بعد از اتمام رابطه‌ی فرد سوم با فرد متاهل، افراد سوم از پیامدهایی صحبت کردند که تا مدت‌ها آنها را همراهی می‌کرد. تجربه‌ی این رابطه آسیب‌هایی برای افراد سوم در پی داشت. از دست‌دادن عزت‌نفس حتی بعد از رابطه، بهم‌ریختگی‌های روحی و تجربه‌ی اضطراب، استرس و دوره‌های افسردگی از مسائلی بود که برای این افراد پیش آمده بود. هیجان‌های منفی تجربه شده در رابطه گاهی به حدی زیاد می‌شد که حتی بعد از اتمام رابطه، فرد سوم همچنان آنها را تجربه می‌کرد. دغدغه‌های حین رابطه، بعد از رابطه جای‌شان را به ترس میدادند. ترس از خیانت‌دیدن در روابط بعدی و زندگی آینده، ترس از کارما و "تقصا پس دادن" از نگرانی‌های آنها بعد از رابطه بود. سوگ اتمام رابطه در روابط تازه خاتمه یافته وجود داشت و حس پشیمانی از این تجربه از شایع‌ترین حس‌های منفی بعد از رابطه بود.

این تجربه در روابط بعدی افراد سوم نیز موثر بود. همه‌ی افراد حاضر در مصاحبه اذعان داشتند که حاضر به تکرار این تجربه و رابطه داشتن با هیچ فرد متاهلی نیستند و در روابط بعدی خود، وضعیت تاهل فرد مقابل برایشان مهم‌تر شده بود. اعتماد سخت‌تر در روابط بعدی از تأثیرات این رابطه بود. برخی از افراد سوم می‌گفتند

که در روابط بعدی خود و یا حتی زندگی مشترک در آینده سخت‌تر اعتماد می‌کنند و افرادی که بعد از اتمام رابطه با فرد متاهل، روابط دیگری را تجربه کرده بودند می‌گفتند که رفتارهای چک کردن آنها افزایش یافته است. نگرش منفی آنها به زندگی مشترک و تصمیم به ازدواج نکردن، از اثرات این تجربه بر زندگی آنان بود. تعدادی دیگر که آشفتگی‌های پیش از رابطه نیز زمینه‌ساز آسیب‌های بیشتر برای آنان بود، بعد از اتمام رابطه، درگیر روابط پرخطر جنسی شده بودند. حس خشم در روابط بعدی و احساس طرد شدن از سوی شرکای عاطفی و جنسی از پیامدهای دیگر این رابطه بود.

همچنین این تجربه تاثیر بسزایی در نگرش افراد نسبت به خیانت و افراد درگیر در آن داشت. آنها عنوان کردند که بعد از این تجربه دلایل زیادی را برای خیانت می‌بینند و نمی‌توان آن را به بد بودن فرد خیانت‌کننده نسبت داد. مسائل رابطه‌ی زوجی که دواور از آنها مطلع شده بودند، افراد سوم را به این نتیجه رسانده بود که ازدواج زودهنگام و نادرست، نیازهای نادیده گرفته شده در رابطه توسط همسر و سخت‌گیری جامعه در طلاق همسرانی که حاضر به ادامه‌ی زندگی نیستند خیانت را شایع می‌کند. در عین حالی که آنان مردانی که خیانت‌های مکرر دارند را "خائنین بیمار" خواندند، در برخی شرایط حضور زنان پذیرنده‌ی نقش فرد سوم را عامل دامن زدن به این روابط دانستند. به طور کلی بیان می‌کردند که هر سه نفر درگیر در این روابط یعنی فرد خیانت‌کننده، فرد سوم و فردی که به او خیانت شده است قربانی‌اند و هر کسی در این مثلث بنا به اقتضای شرایطی که داشته دست به اقدامی درست یا نادرست زده است.

دست‌آوردها، همه‌ی آن چیزی را بیان می‌کنند که افراد سوم از رابطه درس گرفته بودند. تمایل نداشتن به تکرار این گونه روابط و فاصله از آنها از جمله دست‌آوردهایی بود که مسیر روشن‌تری برای آنان مشخص می‌کرد. از طرفی احساس توانمندی و رضایت از خود برای ترک رابطه‌ای که ملغمه‌ای از خوشی و ناخوشی، وابستگی و رهاشدگی بود می‌توانست اندکی از عزت‌نفس از دست‌رفته‌ی آنان را ترمیم کند. برخی از آنها بعد از بیرون آمدن از رابطه با قدم‌های محکم‌تری به پیش‌برد اهداف شخصی خود پرداختند و این نکته‌ی مثبت این تجربه را محرک بودن آن برای قرار گرفتن در مسیر رسیدن به اهداف خود می‌دانستند. برخی دیگر بیان کردند که از روابط فرد متاهل و همسرش درس‌هایی برای زندگی متاهلی و آینده‌ی خود گرفتند و باید‌ها و نبایدهایی را در رابطه با همسر خود در نظر گرفته بودند. در تعدادی دیگر، ترس از قضاوت شدن در رابطه و تناقضات درونی آنها حین رابطه، برای بودن در نقشی که توسط دیگران نکوهش شده بود، بعد از رابطه آنها را پرورش داده بود تا قضاوت کردن دیگران را از خود دور کنند.

در درمان و گذر از خیانت، مسئله‌ی بخشش از بخش‌های مهم آن به شمار می‌رود. مصاحبه با افراد سوم نشان داد که فرد سوم هم بعد از اتمام رابطه با فرد متاهل دغدغه‌ی بخشیدن یا نبخشیدن را همراه دارند. بعضی از افراد با بیان مقصر ندیدن فرد مقابل و پذیرفتن این مسئله که خود آنان نیز در این تجربه سهمی داشته‌اند، بخشش را انتخاب کرده و ساده‌تر از این تجربه عبور کرده بودند حال آن که تعدادی دیگر، آسیب‌های وارد شده به آنها از این رابطه را علت نبخشیدن فرد مقابل عنوان کردند. در افرادی که بخشش صورت نگرفته بود هیجانات منفی بیشتری مشاهده شد. احوال آشفته‌ی این افراد در حین مصاحبه و توصیف رابطه نیز مشهود بود.

مسئله قابل توجه دیگر در این مورد، بخشیدن خود بود. افراد سومی که حین رابطه خودسرزنشی‌های بسیار داشته و سرکوب کردن خود به دلیل انتخاب این رابطه را تا بعد از اتمام آن ادامه میدادند، با وجود گذشت مدت قابل توجهی از اتمام رابطه، تنش‌های بیشتری را تجربه می‌کردند. پژوهشی در این زمینه انجام نشده است اما به نظر می‌رسد توجه به مسئله‌ی بخشش می‌تواند گام مهمی در کاهش آسیب‌های ناشی از این تجربه باشد.

محدودیت‌ها

شرکت‌کنندگان این پژوهش داوطلبانه در تحقیق شرکت کردند، از این رو نتایج بدست آمده می‌تواند برای افرادی که داوطلب نیستند متفاوت باشد. از طرفی بیشتر افراد سومی که در مصاحبه شرکت کردند، مجرد بودند. ممکن است تجربه‌ی افراد سوم متاهل و دارای فرزند متفاوت‌تر باشد. همچنین با وجود تلاش مصاحبه‌گر بر جلب اعتماد مشارکت‌کنندگان، به دلیل تابو بودن رابطه با فرد متاهل، ممکن است افراد تمامی تجارب خود را منتقل نکرده باشند.

پیشنهادهای پژوهشی

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر افراد سوم زن بودند. برای پژوهش‌های آتی در این زمینه پیشنهاد می‌شود که تجربه‌ی افراد سوم مرد هم بررسی شود.

برای بررسی بهتر و بیشتر رابطه با فرد متاهل بهتر است پژوهش‌های کمی نیز بر روی افراد سوم صورت بگیرد. با توجه به اینکه بیشتر شرکت‌کنندگان در این پژوهش مجرد بودند، پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده تجربه زیسته افراد سوم متأهل نیز به‌طور ویژه مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

پیشنهادهای کاربردی

با توجه به آسیب‌های روانی و عاطفی که روابط فرازنشویی بر افراد سوم وارد می‌کند و با توجه به اینکه نقش این افراد در درمان خیانت‌های زناشویی اغلب نادیده گرفته می‌شود، تدوین برنامه‌های درمانی جامع برای ترمیم این آسیب‌ها ضروری است. همچنین، یافته‌ها نشان دادند که بسیاری از افراد سوم پیش از ورود به این روابط، تجربیات آسیب‌زا و شرایط نابسامانی را پشت سر گذاشته‌اند؛ بنابراین، بررسی دقیق این شرایط زمینه‌ای در جلسات درمانی باید در اولویت قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|------------------------------|----------------------------------|
| 1. Wang | 14. Brase & Dillon |
| 2. Adamczyk | 15. Monteiro |
| 3. Islam | 16. Erol & Orth |
| 4. Markman | 17. Attachment |
| 5. Makhliyo | 18. Yahya & Azhar |
| 6. Imamoglu, Ades & Wiesfeld | 19. Benson, Sevier & Christensen |
| 7. Hunt | 20. Simpson |
| 8. Manning & Smock | 21. Estates & Burke |
| 9. Kline | 22. Perlin |
| 10. Self-esteem | 23. Brennan, Clark & Shaver |
| 11. Donnellan | 24. Fraley, Waller & Brennan |
| 12. Orth & Robins | 25. Fairchild & Finney |
| 13. Luciano & Orth | 26. Sibley & Ural |

References

- Allen, E. S., Atkins, D. C., Baucom, D. H., Snyder, D. K., Gordon, K. C., & Glass, S. P. (2005). Intrapersonal, interpersonal, and contextual factors in engaging in and responding to extramarital involvement. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 12(2), 101–130.
- Belu, C. F., & O’Sullivan, L. F. (2019). Once a Poacher Always a Poacher? Mate Poaching History and its Association with Relationship Quality. *The Journal of Sex Research*, 1–14.
- Blow, J. A., & Hartnett, K. (2005). Infidelity in Committed Relationships I: a Methodological Review. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31(2), 183.
- Brown, E. M. (2001). Patterns of Infidelity.
- Brunell, A. B., Robison, J., Deems, N. P., & Okdie, B. M. (2018). Are narcissists more attracted to people in relationships than to people not in relationships? *PLoS ONE*, 13(3), 1–24.
- Buss, D. M. (2006). Strategies of Human Mating.
- Buunk, B. (1980). Extramarital sex in the Netherlands. *Alternative Lifestyles*, 3(1), 11–39.
- Creswell, J. W., Hanson, W. E., Clark Plano, V. L., & Morales, A. (2007). Qualitative Research Designs: Selection and Implementation. *The Counseling Psychologist*, 35(2), 236–264.
- Davies, A. P. C., Shackelford, T. K., Hass, R. G., & Davies, A. P., Shackelford, T. K., & Hass, R. G. (2007). When a “Poach” Is Not a Poach: Re-Defining Human Mate Poaching and Re-Estimating Its Frequency. *Arch Sex Behav*, 36, 702–716.
- Foster, J. D., Jonason, P. K., Shrira, I., Campbell, W. K., Shiverdecker, L. K., & Varner, S. C. (2014). What do you get when you make somebody else’s partner your own? An analysis of relationships formed via mate poaching. *Journal of Research in Personality*, 52, 78–90.
- Habibi Askarabad, M., & Haji Heydari, Z. (2015). “Causes of Marital Infidelity from the Perspective of Couples Referring to the Family Court.” *Family Studies Quarterly*, Issue 42, pp. 716-765.
- Kamali, S., Ameri, F., Khosravi, Z., & Ramazani, M. A. (2018). “The Lived Experiences of Women Regarding Their Husbands’ Extramarital Relationships: A Phenomenological Study.” *Family Studies Quarterly*, Issue 53, pp. 95–112.
- Mogilski, J. K., & Joel Wade, T. (2013). Friendship as a relationship infiltration tactic during human mate poaching. In *Evolutionary Psychology* (Vol. 11, Issue 4, pp. 926–943).
- Muñoz Centifanti, L. C., Thomson, N. D., & Kwok, A. H. (2016). IDENTIFYING THE MANIPULATIVE 2016.pdf.
- Noble, H., & Smith, J. (2015). Issues of validity and reliability in qualitative research. *Evidence-Based Nursing*, 18(2), 34–35.

- Schmitt, D. P., Alcalay, L., Allik, J., Angleitner, A., Ault, L., Austers, I., Bennett, K. L., Bianchi, G., Boholst, F., Borg Cunen, M. A., Braeckman, J., Brainerd, E. G., Caral, L. G. A., Caron, G., Martina Casullo, M., Cunningham, M., Daibo, I., De Backer, C., De Souza, E., ... Zupanèiè, A. (2004). Patterns and Universals of Mate Poaching Across 53 Nations: The Effects of Sex, Culture, and Personality on Romantically Attracting Another Person's Partner. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86(4), 560–584.
- Schmitt, D. P., & Buss, D. M. (2001). Human Mate Poaching: Tactics and Temptations for Infiltrating Existing Mateships. 80(6), 894–917.
-